

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH20RQ49145 ISSN-P: 2676-6442

بررسی و شناخت خصوصیات و ویژگی های بافت کالبدی شهر

با مذاقه در اهمیت آن در شهرسازی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۱/۱۲)

سمیه داردرفشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه بوده است. پژوهش حاضر، روش پژوهش در این پایان‌نامه به صورت توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران تعداد خانوارهای ساکن در مناطق خودانگیخته با ۳۷۸ نفر و تعداد خانوارهای ساکن در مسکن مهر ۳۷۵ نفر در شهر کرمانشاه بود. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه سرمایه اجتماعی است. به منظور تحلیل داده‌های تحقیق از نرم‌افزارهای مختلف آماری شامل Excel و SPSS استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی از جمله آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، آزمون T تک‌نمونه‌ای و آزمون T نمونه‌های مستقل به منظور مقایسه سرمایه اجتماعی در دو گروه استفاده شد. نتایج نشان داد میزان سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته در حد متوسطی بوده است و با میانگین تفاوت معنی‌داری نداشته است. همچنین میانگین سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه نسبت به ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته بالاتر بوده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، حاشیه‌نشین، خودانگیخته، مسکن مهر، شهر کرمانشاه

مقدمه

سرمایه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش است و آن را غنی می سازد، به تعبیری منبع کنش اجتماعی محسوب می شود. سرمایه اجتماعی را می توان به عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه و سازمان تعریف کرد و از آن به عنوان یک ابزار برای ایجاد مشارکت مؤثر شهروندان در مراحل مختلف توسعه پروژه ها یاد کرد (نظری سرمازه و همکاران، ۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی با تأکید بر شبکه ای شدن، تقویت اعتماد و روابط اجتماعی و ایجاد تغییر در نگرش مردم و گروه ها در داخل جامعه نقش زیادی در توسعه برعهده می گیرد (گالامسر^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). سرمایه اجتماعی می تواند به عنوان شبکه و ارزش های اجتماعی باشد که می تواند افراد و جوامع را برای رسیدن به اهداف مشترک در یک راه مؤثر و کارآمد یاری رساند (تریمونی^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). هدف این پژوهش شناخت وضعیت مناطق حاشیه نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه از نظر شاخص های سرمایه اجتماعی است. این پژوهش به پنج فصل تقسیم می شود: در فصل اول به کلیات پژوهش پرداخته می شود، در فصل دوم ادبیات و مبانی نظری پژوهش توضیح داده می شود، در فصل سوم معرفی محدوده مورد مطالعه تشریح می شود، فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده ها انجام می شود و در نهایت در فصل پنجم به بحث و نتیجه گیری پرداخته می شود.

^۱ - Gulumser

^۲ - Trimurni

۱- کلیات پژوهش

۱-۱ بیان مسأله

یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در توسعه و کاهش مسائل و مشکلات ناشی از توسعه‌ی نامتوازن شهری و به تبع آن مسأله‌ی حاشیه‌نشینی، عنصر سرمایه اجتماعی است. اغلب جامعه‌شناسان عنوان کرده‌اند، این عامل می‌تواند اطمینان و کاهش انحرافات و مسائل اجتماعی و توسعه همه‌جانبه را برای یک منطقه به ارمغان آورد (محمودی و نیکخواه، ۱۴۰۰). چنین به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی به دلیل اهمیتی که در بررسی و تدوین شاخص‌های اجتماعی و توسعه دارد، به عاملی مهم برای موفقیت در برنامه‌های رفاه اجتماعی و حل مسائل شهری تبدیل شده است. مفهوم سرمایه اجتماعی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد، از این پتانسیل برخوردار است تا در تحلیل‌های نظری در حوزه‌های مختلف (مطالعات شهری و حاشیه‌نشینی) به کار گرفته شود. از این منظر سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری اساسی، قابلیت و کارایی بالایی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات، از جمله آسیب‌های اجتماعی دارد. بنابراین، در صورتی که عناصر این مفهوم به خوبی مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد و در یک قالب منسجم مدون گردد، قادر است تا به خوبی در شناخت و تحلیل آسیب‌ها مؤثر واقع شود و راه کار مناسبی را در بحث پیشگیری در اختیارمان قرار دهد (زارع‌شاه‌آبادی و ترکان، ۱۴۰۰). یکی از آثار و پیامدهای توسعه‌ی فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است. حاشیه‌نشینی، دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه هموم مردم و مبنای قضاوت در باره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می‌کنند که با جامعه‌ی میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آن‌ها و منطقه‌ی اصلی شهر، نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب

اقتصادی و عدم توانایی مالی خانوارها باشد که به علت هزینه های بالای زندگی قادر به زندگی در مناطق اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه ی میزبان است. از آن جا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی توانند وجود این مهاجران را بپذیرند، بنابراین آنان به مناطقی روی می آورند که امکان کنترل های اجتماعی و هنجاری کمتری در آن جا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه ی شهرهای بزرگ قرار دارند. اما وجه درونی حاشیه نشینی با نظام فرهنگی - اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است: فرد خود را در شرایطی می یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزش های فرهنگی و ملی تا حدودی دست خوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزش های دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آنها نشده است. تجربه ی چنین شرایط بحرانی موجب شکل گیری شخصیت متمایزی برای فرد می شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگ ها، حالت کناره گیری از خود نشان می دهد و نمی تواند در متن جامعه با عقیده ی راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزش ها، بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می گیرد و در حالتی معلق در حاشیه ی اجتماع می نشیند (جمشیدی ها و عنبری، ۱۳۹۹). حاشیه شهرها همواره در ابعاد مختلف با معضلاتی مواجه هستند که کوچکترین بی توجهی به این مناطق خسارات جبران ناپذیری را به همراه دارد، زیرا این مناطق مستعد بروز آسیب های اجتماعی مختلف هستند و عدم توجه به آنها حکم جرقه ای را دارد که آتش آسیب های مختلف در این مناطق را شعله ور می سازد. از این رو توجه به نیازهای این مناطق و همچنین پرداختن به مسائل فرهنگی و اجتماعی نقاط حاشیه نشین از اولویت هایی است که باید همواره مورد توجه مسئولان متولی قرار گیرد چراکه بروز آسیب ها در این مناطق می تواند سلامت کل شهر را به خطر بیندازد. به دلیل مشکلات فراوانی که این نوع از اسکان به ویژه در حاشیه شهرها ایجاد می کند، باید در پی ارائه یک راه حل اساسی و درونزا در مواجهه با

مشکلات ناشی از این سکونتگاه‌ها بود تا بدین وسیله سعی کرد هماهنگی و توازن این سکونتگاه‌ها با سایر نواحی شهری ایجاد شود. توانمندسازی و ساماندهی می‌توانند نقش مؤثری در ارتقای سطح کیفیت سکونت و گامی در مسیر توسعه این گونه از سکونتگاه‌ها را فراهم کنند. در مسیر ساماندهی توجه به سرمایه اجتماعی و تقویت آن نقش فعالی در افزایش کیفیت محیط این سکونتگاه‌ها دارد. طی سال‌های اخیر، طرح مسکن مهر به برنامه اصلی تأمین مسکن محرومان و گروه‌های کم درآمد ایران تبدیل شده است که ایده‌ی اصلی آن به بخشی از اولین طرح جامع مسکن (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵) کشور باز می‌گردد. هدف از پروژه‌های مسکن مهر بهبود وضعیت مسکن گروه‌های کم درآمد بوده که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به آن توجه شده است. طبیعتاً از این تمهیدات باید انتظار داشت که سطح رفاهی بهره‌بران را ارتقا بدهد و در عین حال باعث کاهش فرصت‌های دیگر آنان نشود و از حق‌شان به شهر نگاهداری. وجه مشترک محلات خودانگیخته به ویژه در شهر کرمانشاه این مسأله است که اقشار کم درآمد و حاشیه‌نشین در این محلات زندگی می‌کنند و همچنین در مسکن مهر نیز اقشار کم درآمد ساکن می‌باشند، با این تفاوت که محلات خودانگیخته به طور غیررسمی و عدم سازماندهی به وجود آمده‌اند درحالی‌که پروژه مسکن مهر یک طرح ملی و از طرف دولت و با حمایت دولت ایجاد شده است.

سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی، اقتصاد و اخیراً در علوم سیاسی مطرح شده است. سرمایه اجتماعی با مطرح نمودن شاخص‌هایی از جمله مشارکت و اعتماد اجتماعی در بین ساکنان نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی مناطق به ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی و مناطق حاشیه‌نشین دارد. ساکنان محلات حاشیه‌نشین اغلب مهاجر و از نظر سواد، درآمد و نوع شغل نسبت به ساکنان سایر محلات شهر در سطح پایینی قرار دارند،

همچنین وضعیت مسکن، آموزش و بهداشت بسیار نامطلوب است. توجه به سرمایه اجتماعی و مطالعه آن می تواند بسیاری از مسائل و مشکلات این مناطق را مطرح و راه حل های لازم را جهت بهبود آن ارائه دهد. با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی و نقش پررنگ آن در بهبود کیفیت محیط سکونت مناطق حاشیه نشین خودانگیخته در شهرهای بزرگ در این تحقیق ضرورت می نماید مطالعه تطبیقی در رابطه با سرمایه اجتماعی و سطح و نقش آن در دو منطقه حاشیه نشین خودانگیخته و مسکن مهر کرمانشاه مورد بررسی قرار گیرد. شهر کرمانشاه طی ۳ دهه گذشته گسترش فیزیکی شهری وسیعی داشته و رشد نابسامان جمعیتی موجب تشدید و تسریع روند شکل گیری بافت های حاشیه ای در این شهر شده است. رشد روز افزون سکونتگاه های غیررسمی در حاشیه شهر کرمانشاه و توسعه حاشیه نشینی زنگ خطری جدی برای این کلان شهر و افزایش معضلات اجتماعی آن است. طبق پژوهشی با عنوان که سال ۱۳۹۳ توسط فرمانداری و جهاد دانشگاهی کرمانشاه انجام شده است ۳۶ محله مشکل دار شناسایی که ۱۳ محله به عنوان محلات حاد معرفی شده اند. در این تحقیق ۶ محله به عنوان محلات حاشیه نشین خودانگیخته، با هدف ارائه تصویری دقیق تر از این گونه مناطق و بررسی اجمالی تمامی محلات نسبت به تحقیقات پیشین که بر روی یک محله تمرکز کرده اند، انتخاب شده اند: (۱) جعفرآباد و ملاحسینی، (۲) دولت آباد، (۳) دره دراز، (۴) حکمت آباد، (۵) شهیاد و (۶) آناهیتا.

محله های حاشیه نشین در محدوده اطراف شهر کرمانشاه به صورت ساخت و سازهای غیراستاندارد و غیرقانونی شکل گرفته اند که در این محلات پایین بودن سطح بهداشت از نظر کاهش امید به زندگی، افزایش بیماری ها، فقر غذایی، فقدان و ضعف جدی در دسترسی به خدمات پایه شهری از قبیل آب، برق، بهداشت محیط، دفع فاضلاب، آسفالت معابر و خیابان ها، روشنایی معابر و نیز بروز جرایم و انزوای اجتماعی بسیار مشهود است. بروز

بیماری‌های مختلف، آلودگی هوا، آب و خاک به دلیل دیوی زباله، اشتغال به مشاغل غیرعادی و غیرقانونی، پایین بودن میزان امنیت، وجود معنادان متجاهرو نیز وجود کودکان کار از مهم‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات محیطی سکونت‌های غیررسمی محلات حاشیه شهر است که بر اقتصاد و فرهنگ جامعه شهرنشینی آثار و تبعات سو دارد.

با توجه به وجود مسائل و معضلات اجتماعی و اقتصادی در مناشق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه و با توجه به تشابهات و تفاوت‌های اشاره‌شده در دو نوع اسکان خودانگیخته و مسکن مهر در این پژوهش سعی بر این است که با شناخت و بررسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی و تحلیل تطبیقی آن در دو منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر، با نگاه و تأکید بر سرمایه‌های اجتماعی، خلأهای موجود پر شود و نیز راه‌حل‌هایی در جهت بهبود و اجرایی‌تر کردن برنامه‌های ساماندهی این مناطق ارائه داد و تفاوت‌های موجود در سرمایه اجتماعی در دو نوع اسکان مذکور مورد بررسی قرار گیرد تا نقاط قوت و ضعف هر نوع آن مشخص گردد. این پژوهش یک پژوهش توصیفی است و به دنبال شناخت وضعیت سرمایه اجتماعی در بین محلات و مسکن مهر است. لذا این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه چگونه است؟

۲-۱ اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

سرمایه اجتماعی راه را برای مشارکت فعال و مثبت افراد سکونتگاه هموار می‌کند و تأثیر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را بر رفتار افراد تسهیل می‌کند، در رضایت عمومی نقش اساسی دارد. اهمیت مطالعه سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین در رابطه با این واقعیت می‌باشد که آسیب‌های درونی در این گونه مناطق شهری، کیفیت زندگی را با تهدید مواجه کرده است. بر این اساس شناخت کافی از عوامل مختلف سرمایه اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر کیفیت

زندگی، پیش‌نیاز هرگونه برنامه‌ریزی برای سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین شهری می‌باشد. در این رابطه، سرمایه اجتماعی و پژوهش و بررسی تطبیقی آن در مناطق مختلف حاشیه شهری از جمله حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر در کلانشهر کرمانشاه در توسعه همه‌جانبه اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی از یک طرف و بهبود کیفیت زندگی از طرف دیگر نقش اساسی دارد. همچنین اهمیت مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی از این نقطه نظر حائز اهمیت می‌باشد که، شناخت سطح این شاخص در مناطق مختلف شهری در نهایت منجر به برنامه‌ریزی دقیق به - منظور ارتقای نقش عوامل اجتماعی، دسترسی به منابع، خدمات و فرصت‌ها و نیز قابلیت مشارکت اجتماعی آگاهانه با هدف ایجاد برابری اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی در این سکونتگاه‌ها می‌شود. براین اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های از سرمایه اجتماعی که ممکن است بر کیفیت زندگی تأثیرگذار باشد و بررسی تطبیقی آن در دو بخش از مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه انجام خواهد شد.

به دلیل توأم بودن پدیده‌ی حاشیه‌نشینی با برخی از مسائل و مشکلات اجتماعی همچون فقر، اعتیاد، بزهکاری و غیره و تسری این مسائل و مشکلات به دیگر نقاط شهر (به دلیل تبادلات فرهنگی و اقتصادی میان این محلات و دیگر نقاط)، حل مشکلات و یا کاهش آن در این محلات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و نیاز به برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی و به‌دور از تصمیمات آنی، مقطعی و تبلیغاتی داشته تا بتوان با استفاده از طرح‌های علمی بلندمدت گامی در جهت بهبود شرایط موجود در محلات حاشیه‌نشین برداشت (برغمندی، ۱۳۹۷). منتهی بنا به فرض مدنظر این پژوهش، موفقیت هرگونه زیرساخت‌سازی کالبدی و سیاست‌گذارانه، مستلزم ایجاد شبکه‌هایی ارتباطی، سازوکارهای اعتمادسازی و ... در محلات است که از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی است. درواقع احتمالاً این مؤلفه‌ها امکانی را فراهم می‌سازند تا

مداخلات موفق در محلاتی که رشدی حاشیه‌نشینانه داشته‌اند و اساساً خود امور خود را رتق و فتق کرده‌اند، صورت گیرند. در واقع یکی از اهداف همین پژوهش نیز بررسی همین نسبت است.

۱-۳ اهداف پژوهش

۱-۳-۱ هدف اصلی

شناخت وضعیت مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه از نظر شاخص‌های سرمایه اجتماعی.

اهداف فرعی

۱-۳-۲ اهداف فرعی

- ۱) بررسی وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه.
- ۲) مطالعه تفاوت بین سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته با حاشیه‌نشین مسکن مهر شهر کرمانشاه.

۱-۴ سؤال‌های پژوهش

- ۱) مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه از نظر شاخص‌های سرمایه اجتماعی در چه وضعیتی قرار دارد؟
- ۲) مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته با مسکن مهر شهر کرمانشاه از نظر شاخص‌های سرمایه اجتماعی دارای چه تفاوت‌هایی هستند؟

۵-۱ فرضیه های پژوهش

با توجه به اکتشافی بودن، پژوهش حاضر فاقد فرضیه مشخصی می باشد.

۶-۱ قلمروهای پژوهش

موضوع این پژوهش مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه است. داده های این پژوهش در بهار ۱۴۰۲ گردآوری شده است.

۱-۷ روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با مطالعه تطبیقی است.

۸-۱ جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان مناطق حاشیه نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه می باشد.

۹-۱ حجم نمونه و روش محاسبه

تعداد خانوارهای ساکن در مناطق خودانگیخته ۲۲۱۷۶ و تعداد خانوارهای ساکن در مسکن مهر ۱۶۱۸۴ در شهر کرمانشاه بود. که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد.

$$N = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2}}{1 + \frac{1}{22176} \left(\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2} - 1 \right)} = 378$$

$$N = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N}(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1)} = \frac{\frac{1/96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{16184}(\frac{1/96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} - 1)} = 375$$

۱-۱۰ ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه‌ی پژوهش در دو بخش اصلی طراحی و تنظیم شد. بخش اول شامل ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخ‌گویان و بخش دوم شامل مجموعه‌ای از گویه‌ها به صورت طیف لیکرت، در قالب پنج مقیاس که به سنجش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن پرداخته شد، مورد توجه قرار می‌گیرد که در این پژوهش خانوارها مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۱-۱۱ تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزارهای مختلف آماری شامل Excel و SPSS استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی از جمله آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، آزمون T تک نمونه‌ای و آزمون T نمونه‌های مستقل به منظور مقایسه سرمایه اجتماعی در دو گروه استفاده شد.

۱-۱۲ پیشینه پژوهش

۱-۱۲-۱ پژوهش‌های داخلی

- طهماسبی و فخرآبادی پور (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در ارتقای سرمایه اجتماعی روستاییان (مورد مطالعه: روستاییان شهرستان دامغان) انجام دادند. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی بود. نتایج مطالعه نشان داد که افزایش میزان تراکم مشارکت اعضای صندوق بعد از اجرای پروژه نسبت به قبل

از اجرای آن معنی دار می‌باشد. همچنین پروژه در جلب مشارکت افراد با سطح تحصیلات متفاوت موفق عمل کرده و تفاوت معنی داری در شاخص مرکزیت درجه گروه‌های مختلف تحصیلی وجود نداشت. به همین ترتیب تأثیر این صندوق‌ها در ایجاد انسجام بین گروه‌های توسعه روستای حسینان معنی دار بوده است.

- عبدی (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان رفاه اجتماعی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی و احساس امنیت انجام داد. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی بود. با بررسی مفاهیم و دیدگاه‌ها، به نتیجه می‌رسیم که، بین رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد و همین‌طور بین رفاه اجتماعی و احساس امنیت رابطه معنا داری وجود دارد. مقاله حاصل مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است.

- ابراهیم‌نیا و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان تحلیل محیط کالبدی اثرگذار بر سرمایه اجتماعی در محلات شهر ساری انجام دادند. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی بود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد میزان سرمایه اجتماعی و تفاوت سطح آن در محلات مذکور نشانگر تأثیر تفاوت نحوه شکل‌گیری و همچنین به دلیل تفاوت‌های کالبدی آن‌ها به عنوان محلات همجوار است و همچنین چهار شاخص فضایی: اتصال، تنوع، امنیت و ویژگی می‌تواند بر میزان سرمایه اجتماعی محلات شهری تأثیرگذار باشد و با افزایش سرانه فضای سبز، فضای عمومی، تنوع در مسیر حرکتی و اهمیت دادن به کیفیت مسیرهای پیاده، ایجاد نشانه‌ها، توزیع مناسب خدمات، گسترش حمل و نقل عمومی جمعی و در نظر گرفتن تسهیلات محلی با شعاع دسترسی مناسب به منظور ایجاد امنیت به بهبود سرمایه اجتماعی کمک خواهد کرد.

- محمودی و نیکخواه (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان با عنوان بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر شیراز انجام دادند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - پیمایشی است. نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت بوده و در مناطق غیرحاشیه‌نشین بیشتر بوده است.
- امینی و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان با عنوان بررسی تأثیر توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین در افزایش سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت) انجام دادند. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا پیمایشی می‌باشد. نتایج نشان داد که بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. توانمند کردن مناطق حاشیه‌نشین در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند آثار بسیار مؤثری بر افراد ساکن در این محله‌ها با خود به همراه داشته باشد و موجب بالا رفتن سرمایه اجتماعی در ابعاد شناختی (اعتماد اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها) و ساختاری (مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی) آن‌ها شود.
- کافی (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان با عنوان بررسی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در محلات محروم (مطالعه‌ی موردی: شهر کرمان) انجام دادند. هدف اصلی این مقاله بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در دو بعد ساختاری (شبکه روابط) و شناختی (اعتماد) در محلات محروم شهر کرمان است. علاوه بر آن تلاش می‌کند به مقایسه این ابعاد در محلات محروم و غیر محروم و نمونه ملی بپردازد. یافته‌ها نشان داد میزان سرمایه اجتماعی ساختاری ساکنان محلات محروم از مناطق غیرمحروم به‌طور معناداری کمتر است. این یافته بیانگر آن است که پیوند ساکنین محلات محروم با

افرادی که دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری هستند، در مقایسه با ساکنان مناطق غیرمحروم، ضعیف تر است. علاوه بر این یافته ها حاکی از آن است که میزان اعتماد عمومی و سازمانی (سرمایه اجتماعی پل زنده) ساکنان محلات محروم در مقایسه با نمونه ملی که همه گروه ها و طبقات اجتماعی را در بر می گیرد، به شکل معناداری کمتر است.

- فرغ زاده و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان با عنوان تحلیل سرمایه ی اجتماعی زنان خانه دار ساکن در سکونتگاه غیررسمی (مطالعه موردی: محله شهید قربانی مشهد انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی کم و کیف سرمایه ی اجتماعی زنان خانه دار ساکن در یکی از سکونتگاه های غیررسمی (محله شهید قربانی واقع در منطقه چهار شهر مشهد) است. در این پژوهش دو بعد شناختی و ساختاری سرمایه ی اجتماعی سنجیده شد. بعد شناختی شامل اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا، اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته که اعتماد به بیگانگان هم تعبیر می شود و بالاخره اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان ها و نهادها است و بعد ساختاری شامل مشارکت رسمی و غیررسمی و شبکه ارتباطات اجتماعی زنان (فراوانی، شیوه و شدت رابطه) است.

- سرگلزایی جوان و همکاران (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان با عنوان امکان سنجی توانمندسازی محله های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: محله شیرآباد شهر زاهدان) انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص مشارکت (در بعد زیست محیطی)، شاخص همکاری (در بعد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی)، شاخص شبکه های رسمی و غیررسمی (در بعد کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی) در شرایط بالاتر از حد متوسط، شاخص مشارکت (در بعد کالبدی و اجتماعی)، شاخص اعتماد (در بعد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و

زیست محیطی) و شاخص شبکه‌های رسمی و غیررسمی (در بعد اقتصادی) در حد متوسط و شاخص مشارکت (در بعد اقتصادی) پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند. همچنین ارتباط معناداری بین تمام شاخص‌ها و ابعاد توانمندسازی وجود دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که یک ارتباط دو سویه بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی وجود دارد و هر عاملی که سبب سرمایه اجتماعی شود، توانمندسازی را نیز افزایش می‌دهد و بالعکس.

- ده‌بان و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان با عنوان توانمندسازی و ساماندهی اجتماعات ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر سرمایه اجتماعی در شهر ساری انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که در راستای توانمندسازی اجتماعات ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور، استفاده از سرمایه‌های اجتماعی موجود در این سکونتگاه‌ها، می‌تواند راه‌گشای بسیاری در حل معضلات آن باشد. سرمایه اجتماعی این سکونتگاه‌ها گاه به‌صورت سرمایه اجتماعی منفی ظهور می‌کند. در این سکونتگاه‌ها، به دلیل طرد اجتماعی ساکنان از جامعه شهری و کنار گذاشته شدن آن‌ها از حیات اجتماعی شهر میزان سرمایه اجتماعی بین گروهی و به‌خصوص سرمایه اجتماعی ارتباطی در سطح بسیار پایینی قرار دارد در حالی که می‌توان گفت سرمایه اجتماعی درون گروهی از میزان نسبتاً مطلوبی برخوردار است. در فرآیند سنجش سرمایه اجتماعی در سکونتگاه غیررسمی شهر ساری نیز با توجه به یافته‌ها: سرمایه اجتماعی درون گروهی در سطح نسبتاً مناسبی قرار دارد، در حالی که سرمایه اجتماعی بین گروهی و ارتباطی در وضعیت بسیار بدی قرار دارد.

- تقوایی و صفرآبادی (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان با عنوان بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف از جمله اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، انسجام اجتماعی

و آگاهی اجتماعی در سه محله شهر کرمانشاه در بافت قدیم، جدید و سکونتگاه‌های غیررسمی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که در اعتماد بین شخصی هر سه محله میزان اعتماد به یک اندازه است و تفاوتی در ضرایب اهمیت بین محلات وجود ندارد. اما در سنجش اعتماد نهادی میزان اعتماد به نهادهای مختلف (اعتماد به نهادهای دولتی، شهرداری، نمایندگان مجلس، شورای شهر) در بافت جدید با ضریب ۰/۰۵۵ بیشترین اهمیت و بافت‌های قدیم و سکونتگاه غیررسمی با ضرایب ترتیبی ۰/۰۴۷ و ۰/۰۴۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

۲-۱۲-۱ پژوهش‌های خارجی

- پیلاتین^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، پژوهشی با عنوان تأثیر سرمایه اجتماعی بر قیمت مسکن: تجزیه و تحلیل داده‌های تابلویی به تفکیک استان در ترکیه انجام دادند. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی بود. با توجه به نتایج تحلیل، مشخص شد که بین سرمایه اجتماعی و شاخص قیمت مسکن رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج با تست حساسیت تأیید شد. با افزایش سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های ترکیه، تمایلات رفتاری دست‌کاری و فرصت‌طلبانه فروشندگان خانه‌های فردی و شرکتی کاهش می‌یابد.

- الکساندر پریست^۲ (۲۰۲۳)، پژوهشی با عنوان تحت فشار: سرمایه اجتماعی و اعتماد به دولت پس از بلایای طبیعی انجام داد. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی بود. نتایج نشان می‌دهد که خانوارها تأثیرات نزدیک را به‌طور فراگیر تجربه می‌کنند و تجربه تأثیر نزدیک به‌طور قابل توجهی با اعتماد کمتر به دولت در همه سطوح، بدون

^۱ - Pilatin

^۲ - Alexander Priest

تجربه تأثیر مستقیم و سایر کنترل‌های آماری، مرتبط است. پیامدهای یک رویکرد ظریف تر به سرمایه اجتماعی و اعتماد در کاهش بلایا و تحقیقات مورد بحث قرار می‌گیرد.

- کریگ^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان انواع سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار: الگوهای فضایی در مناطق مرکزی و جنوبی مالایا انجام دادند. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی بود. سه ترکیب کلیدی از پیوند، پل زدن و پیوند سرمایه اجتماعی وجود داشت که با مدل استاندارد انواع سرمایه اجتماعی برای فقرای روستایی متفاوت است. همچنین نتایج نشان داد که ارتباط سرمایه اجتماعی با شاخص‌های توسعه پایدار به گونه‌شناسی سرمایه اجتماعی، منطقه مورد مطالعه و شاخص توسعه پایدار مورد نظر بستگی دارد.

- لی و ایکسو^۲ (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان نقش سرمایه اجتماعی و شرکت اجتماعی در فقرزدایی چین انجام دادند. در چین، فرهنگ قوی کنفوسیوس، استراتژی توسعه تحت رهبری دولت، جامعه مدنی ضعیف و روابط اجتماعی سلسله مراتبی به ساختار ارزشی سرمایه اجتماعی کمک کرده است، اما کارایی فعالیت تجاری در شرکت اجتماعی را کاهش داده است.

- ام‌پانجه^۳ و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی سکونتگاه‌های حاشیه- نشین در نایروبی، سرمایه اجتماعی را به عنوان نوعی راهبرد توسعه محلی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساکنان این مناطق به دلیل نامطمئن بودن از وضعیت معیشت خود، از شیوه زندگی و سطح سرمایه اجتماعی مختلفی برخوردارند.

^۱ - Craig

^۲ - Li & Xu

^۳ - Mpanje

ساکنان این مناطق در برخورد با مشکلات مختلف از دو روش مقابله‌ای و انطباقی استفاده می‌کنند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که بازیگران مختلف در این مناطق باید بر سرمایه اجتماعی تمرکز کنند با بتوانند از این طریق ظرفیت‌های ساکنان در محله‌های فقیرنشین حاشیه شهر را بهبود بخشند. همچنین باید به نقش سازمان‌ها و ابتکارات محلی در ایجاد پیوندها و ارتباطات در این مناطق در جهت ارتقای ظرفیت‌ها توجه بیشتری شود.

- اوکوسا^۱ (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان پارادوکس سرمایه اجتماعی: موردی از مهاجران، پناهندگان و اقلیت‌های زبانی در فجایع کانتربری و توهو کو انجام داد. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی بود. با نفوذ از بوردیو، این بحث مطرح می‌شود که افراد تاب‌آور سرمایه اجتماعی چند وجهی خود را به دلیل فقدان سایر اشکال سرمایه و نیازهای خاص خود در زمینه‌های مختلف توسعه می‌دهند. با این حال، عوامل اجتماعی زمینه‌ای مانند نژاد، جنسیت و طبقه نیز بر تصمیم دیگران برای اجتناب از سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این دلایل برای عدم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در قبل / پس از فاجعه می‌تواند توضیح دهد که چرا برخی از آسیب‌پذیران اجتماعی به‌طرز شگفت‌آوری انعطاف‌پذیر بودند و برخی دیگر بیشتر به حاشیه رانده شدند.

- چانگ^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و رفاه در میان جوانان حاشیه‌نشین مالزیایی انجام دادند. برای این تحقیق با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها حاکی از نیاز به ترویج فعالیت‌هایی است که می‌تواند عناصر اعتماد و رفتار متقابل آن‌ها را نسبت به مردم به‌طور کلی تقویت

^۱ - Uekusa

^۲ - Chong

کند و همچنین رفتارهای بهداشتی را در میان جوانان حاشیه‌نشین ارتقا دهد. تحقیقات آینده می‌تواند برنامه‌هایی را بررسی کند که سرمایه اجتماعی را به سمت جمعیت عمومی ارتقا می‌دهد و رفتار سلامتی را که SWB جوانان مالزیایی را تقویت می‌کند، بررسی کند.

- مارتینز و بریتو^۱ (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان با عنوان آسیب‌پذیری در سلامت و سرمایه اجتماعی، تحلیل کیفی براساس سطوح حاشیه‌نشینی در مکزیک انجام دادند. یافته‌ها حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی بسته به میزان حاشیه‌نشینی، عاملی مرتبط در حل مشکلات مراقبت‌های بهداشتی است. نقش سرمایه اجتماعی را می‌توان با بی‌ثباتی ارائه خدمات پزشکی، زیرساخت‌های بهداشتی ضعیف و دسترسی دشوار به مراقبت‌های بهداشتی در مکزیک توجیه کرد.

- ام‌پانجه و همکاران (۲۰۱۸)، پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی در محیط‌های شهری آسیب‌پذیر را مورد تحلیل قرار دادند. در این پژوهش تحلیلی مفهومی از سرمایه اجتماعی و اجزای تشکیل‌دهنده و نیز ارتباط آن را محیط‌های آسیب‌پذیر شهری و چگونگی اندازه‌گیری آن انجام شده است. ویژگی‌های سرمایه اجتماعی بنا بر تنوع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی موحود در محیط‌های آسیب‌پذیر شهری متفاوت می‌باشد. در این پژوهش چهارچوبی برای کشف ماهیت پیچیده سرمایه اجتماعی در محیط‌های شهری ترسیم شده است.

چندین دهه است که موضوع سرمایه اجتماعی در رابطه با مناطق کم‌برخوردار و حاشیه‌نشین مطرح است، مطالعات متعددی هم در این رابطه از سوی محققان، پژوهشگران و نظریه‌پردازان انجام شده که نقطه‌ی اشتراک تمامی آن‌ها معتقد بودن به این موضوع

^۱ - Martinez - Martinez & Rodriguez - Brito

است که در کنار اقدامات دولتی مشکلات محلات فقیرنشین توسط تقویت مشارکت های اجتماعی قابل کاهش و یا حل شدن است. به عبارت دیگر موضوع سرمایه اجتماعی در موضوع مدیریت شهری و به صورت تخصصی تر در ارتباط با محلات فقیرنشین به حدی راه گشا است که هیچ گونه نظر و پژوهش منفی در خصوص این موضوع وجود ندارد. نکته قابل توجه این است که برای حل مشکلات محلات کم برخوردار و حاشیه نشین به تغییر نگرش ساکنان این محلات، افزایش اعتمادسازی و تعاملات بیشتر نیاز است که تمام این موارد در سایه ی مشارکت اجتماعی محقق می شود. گفتنی است مشارکت اجتماعی به انواع مختلف تقسیم بندی شده تا طبق آن انتخاب مسیر و درگیر کردن گروه هایی که قرار است ما را در تحقق اهداف هدایت کنند آسان تر باشد. مناطق حاشیه نشین و کم برخوردار با معضلات بسیاری مواجه هستند همچون فقر، اعتیاد، سطح سواد پایین، بزه کاری، بیکاری، و از سوی دیگر ارایه خدمات عمرانی، فرهنگی و زیر ساختی در این محلات هم چندان رضایت بخش نیست. بنابراین با وجود این حجم از مشکلات دائماً شاهد شکل گیری تنش و یا بحران تازه ای در این مناطق هستیم به همین علت سرمایه اجتماعی می تواند یک راه کار معقول و منطقی برای پیشگیری و حل بحران باشد در واقع سرمایه اجتماعی می تواند یک میان بر باشد و مسیر رسیدن به اهداف را کوتاه تر کند. تحقق سرمایه اجتماعی یعنی محقق شدن مشارکت و عدالت اجتماعی، افزایش رفاه، کاهش فقر و آسیب های اجتماعی در محلات بحرانی. همان طور که در تحقیقات پیشین بررسی شد، تحقیق کاملاً مرتبط و نزدیک به موضوع تحقیق حاضر انجام نشده است و نزدیک ترین تحقیق انجام شده تحقیق تقوایی و صفرآبادی (۱۳۹۱)، می باشد که سرمایه اجتماعی در مناطق سکونتگاه غیررسمی سه محله کرمانشاه بررسی شده است، در حالی که در تحقیق

حاضر تعداد ۷ محله از مناطق حاشیه نشین خودانگیخته شهر کرمانشاه با مسکن مهر این شهر مطالعه تطبیقی انجام خواهد شد.

۲- ادبیات و مبانی نظری

سرمایه اجتماعی، مقوله‌ای است که در چند سال اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است و در واقع، مفهومی فرارشته‌ای است که به نقش نیروهای اجتماعی در توسعه جامعه می‌پردازد و اقتصاددانان و جامعه‌شناسان در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع توسعه یافته به این مفهوم توجه دارند. این رویکرد، نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع می‌باشد. از سوی دیگر مطالعه روند رشد و توسعه کشورها بیانگر این واقعیت است که سایر سرمایه‌ها در صورت بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی سبب رشد و توسعه یک جامعه می‌شوند. زمانی که یک سرمایه اجتماعی وجود دارد، کنش‌های اجتماعی تسهیل می‌شود و هزینه تعاملات کاهش می‌یابد. ثبات و انسجام اجتماعی به همراه همکاری و مشارکت اجتماعی که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند، شروط لازم برای توسعه هستند (تیان^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۹۲-۱۸۰).

در کشور ایران و در سازمان‌هایی همچون سازمان‌های صنعتی به دلیل این که محور برنامه‌های کلان کشور را بر ابعاد سخت افزاری توسعه متمرکز کرده‌اند و این که تحلیل برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌ریزی‌های بعد از انقلاب، نشان دهنده عدم توجه به ابعاد اجتماعی توسعه است. محور برنامه‌های مذکور عمدتاً الگوی منظمی بوده که بر رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی تأکید دارد. همچنین، نابرابری اجتماعی که به وضوح توسط اقشار مختلف اجتماعی قابل لمس است و همچنین، عدم تمرکز در توزیع منابع، سرمایه اجتماعی را دچار نقصان کرده

^۱ - Tian

است که این مقوله خود، باعث صدمات جبران‌ناپذیری به بدنه دولت و جامعه می‌شود (حاجی‌شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۵-۱۵۴).

رشد شتابان شهرنشینی، افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها و الگوهای نامتوازن توسعه‌ای در یک جامعه، موجب به هم خوردن تعادل و توازن روستا می‌شود و مهاجرت روستاییان به شهرها را به دنبال خواهد داشت. اکثر این مهاجران افرادی هستند که پس از مهاجرت به واسطه فقر شدید ناچار به ساکن شدن در مناطق حاشیه‌ای می‌شوند. بنابراین یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است (تاج‌بخش، ۱۳۹۲: ۹۷-۱۲۴).

۲-۱ تعاریف و مفاهیم

۲-۱-۱ سرمایه

مفهوم سرمایه را می‌توان از مارکس^۱ دنبال کرد. در مفهوم‌پردازی مارکس، سرمایه بخشی از ارزش اضافی است که سرمایه‌داران، کسانی که ابزار تولید را در اختیار دارند، از گردش کالاها و پول در فرآیندهای تولید و مصرف آن را به دست می‌آورند. در این گردش، به کارگران در مقابل کار (کالاشان) دستمزد پرداخته می‌شود که به آن‌ها امکان می‌دهد کالاهایی (از قبیل غذا، مسکن و لباس) را برای ادامه حیات خود (ارزش مبادله) خریداری کنند. اما کالای پردازش و تولیدشده توسط سرمایه‌داران را می‌توان با قیمت بالاتری در بازار مصرف فروخت (ارزش مصرف‌کننده). در این تصویر از جامعه سرمایه‌داری، سرمایه بیانگر دو عنصر مرتبط و متمایز است. از یک سو سرمایه بخشی از ارزش اضافی است که به زعم مارکس توسط

^۱ - Marx

کارگران تولید شده اما نصیب سرمایه‌دار می‌شود. از سوی دیگر، سرمایه‌بیانگر یک سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران (در تولید و گردش کالاها) به امید بازدهی و کسب سود در بازار است. سرمایه به عنوان بخشی از ارزش اضافی محصول یک فرآیند است: در عین حال سرمایه و ارزش اضافی حاصل از آن مرتبط با یک بازدهی / بازتولید فرآیند سرمایه‌گذاری و ارزش اضافی بیشتر هستند و این طبقه مسلط است که سرمایه‌گذاری می‌کند و ارزش اضافی را نصیب خود می‌کند. بنابراین سرمایه در مفهوم مارکسی (کلاسیک) نظریه‌ای در باره روابط اجتماعی استثماری میان دو طبقه است (لین^۱، ۲۰۱۷).

۲-۱-۲ سرمایه اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی علاوه بر تقویت مشارکت میان اعضای یک اجتماع منجر به خلق ارزش برای افراد و گروه‌های متعلق به آن خواهد شد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی منبعی است که امکان کسب منابع گوناگون را برای فرد فراهم می‌کند (وینسنس^۲، ۲۰۱۸: ۱۱۵-۱۲۲). سرمایه اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اخلاق سازمانی، افزایش عملکرد کسب و کار، رفتار شهروندی سازمانی و کیفیت زندگی کارکنان تأثیر می‌گذارد (چراغی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۷-۲۳۱).

تعاریف مختلفی در مورد سرمایه‌ی اجتماعی ارائه شده است اما به طور کلی دو رویکرد اساسی در خصوص آن مطرح است. در رویکرد اول، سرمایه‌ی اجتماعی یک منبع تعریف می‌شود که پیامدهای متنوعی به همراه دارد. در رویکرد دوم، سرمایه‌ی اجتماعی یک فرآیند یا پیامد دیده

^۱ - Lin

^۲ - Vincens

می شود. طی سال های اخیر، سرمایه ی اجتماعی به مثابه ی منبع در مقایسه با رویکرد دوم بیشتر مورد توجه محققان قرار گرفته است (جونگ^۱، ۲۰۲۱: ۶۵۲-۶۶۳).

بوردیو^۲ (۱۹۷۳)، سرمایه ی اجتماعی را سرمایه ی حاصل از ارتباطات اجتماعی تلقی می کند که برای فرد حمایت فراهم می کند: این دارایی از جنس احترام و مقبولیت است و وجود آن به خصوص هنگامی که شخص در موقعیت اجتماعی ویژه ای نیاز به توجه مردم دارد اهمیت مضاعفی می یابد (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱۷-۶۳۷). سرمایه ی اجتماعی جریان اطلاعات را تسهیل می کند و زمینه ای مناسب برای کمک به تحقق اهداف فردی و اجتماعی فراهم می آورد. سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابعی است که به مالکیت شبکه ای بادوام از روابط نهادهای شده بین افراد مربوط می شود و با عضویت در یک گروه به وجود می آید (یسلی و دوگان^۳، ۲۰۱۹: ۵۰۶-۵۳۲).

اعتماد عنصر اساسی در سرمایه ی اجتماعی تلقی می شود و سرمایه ی اجتماعی با ایجاد اعتماد متقابل بین اعضای گروه باعث می شود دست یابی به اهداف و مقاصد هنگام مواجهه با بحران و شرایط بد محیطی بهتر صورت پذیرد (کمپبل^۴، ۲۰۱۹).

۳-۱-۲ آگاهی شهروندان

موضوع شهروندی و مفاهیم مرتبط با آن، رابطه شهروند را با مدیریت شهر یا دولت و حکومت تبیین می کند. مفهوم شهروندی به عنوان فردی که تعهداتش را می پذیرد و ضمن حقوق اساسی،

^۱ - Jeong

^۲ - Bourdieu

^۳ - Yesli & Dogan

^۴ - Campbell

خودآگاه بودن را لازمه مشارکت خود می‌داند، راهی است که بسیاری از تشکلهای، مشروعیت خود را از طریق آن ممکن می‌دانند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵).

آگاهی از حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از افکار، عقاید، حساسیت نسبت به زندگی و توجه به هر آنچه که در وسیع‌ترین معنا به امور عمومی اعم از سیاسی یا اجتماعی مربوط می‌شود است. آگاهی از حقوق شهروندی هم باعث می‌شود مطالبه‌گری از دولت در راستای اعطای حقوق شهروندی افزایش یابد و هم با افزایش تعهدات شهروندان به دولت و جامعه، مشارکت را در حوزه‌های مختلف افزایش یابد (علیدادی سلیمانی و حاجی کرم‌رعیت، ۱۳۹۹: ۸۵).

هابرماس^۱ نیز معتقد است که شهروندی، ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌شوند. از نظر هابرماس در جامعه مدنی، تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا او مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به اعتقاد او، شهروندان باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و بر اساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (لمانسکی^۲، ۲۰۱۷: ۸۶).

۴-۱-۲ اعتماد اجتماعی

اعتماد سطحی از اطمینان است که یک فرد در رابطه با شهروندان و حکومت از خود بروز می‌دهد و بر اساس آن رفتاری منصفانه، اخلاقی و قابل پیش‌بینی ارائه می‌کند (شریفی و

^۱ - Habermas

^۲ - Lemanski

همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۷). اعتماد معمولاً یک مفهوم دو طرفه تلقی می‌شود. در این رابطه دو طرفه یک طرف اعتماد شهروندان و طرف دیگر آن حاکمیت قرار می‌گیرد. در این گونه رابطه، هر گونه عدم صراحت، عدم شفافیت و عدم صداقت در طرف حاکمیت و هر گونه اعتراض، نقد، شورش یا تجمع سیاسی نشانه بی‌اعتمادی تلقی می‌شود (نونکو^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۶۱).

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد بنیان بسیاری از تعاملات و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی، چه در ارتباط میان فردی و چه در ارتباطات اجتماعی، بین گروه‌ها است. به‌طور کلی اعتماد بخشی از واکنش فرد در قبال دیگران به مثابه‌ی بخشی از برهم کنش بین کارگزاران اجتماعی و یک احتمال عقلانی است که بر اساس یک کنش‌گر در رابطه با دیگر گروه‌ها و کارگزاران رفتار آن‌ها را پیش از وقوع، پیش‌بینی و فعالیت خود را بر اساس آن طراحی می‌کند (ججاریان و برقی، ۱۴۰۰: ۴).

اعتماد اجتماعی سطح اعتماد مردم به یکدیگر است، مبنی بر این که سایرین بر اساس انتظار عمل می‌کنند و آن‌چه می‌گویند قابل اطمینان باشد. نظریه‌ی زیمل^۲ درباره‌ی اعتماد، چارچوب نظری معتبر و فراگیری برای تحلیل اعتماد و نقش آن در مشارکت را فراهم می‌کند. توصیف او از شرایط نقش و کارکرد اعتماد در جوامع مدرن برای نظریه‌ی جامعه‌شناختی اعتماد ارزشمند است. به گفته‌ی زیمل کنش جمعی و روابط بین فردی برای ما ارزش نسبی مشارکت

^۱ - Nunkoo

^۲ - Zimmel

را مشخص می‌کند و کلید اصلی هر گونه رابطه‌ی اجتماعی است. یکی از کارکردهای اعتماد این است که به بروز انگیزه‌ها و امیدواری بین فردی می‌انجامد (میس‌تال،^۱ ۲۰۱۹: ۳۵).

۵-۱-۲ انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی، به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه قلمداد می‌شود. اهمیت انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی اجتماعات شهری و روستایی به حدی است که می‌توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمامی سکونت‌گاه‌های انسانی کشورهای توسعه یافته به طور آشکاری مشاهده کرد (ورچلی،^۲ ۲۰۲۰: ۲۵).

انسجام اجتماعی نوعی از ترتیبات اجتماعی که منجر به تعامل متقابل و یکپارچگی در اجتماعات شهری و روستایی می‌شود، شرط لازم برای اجرای اصلاحات نهادی و منشأ دست‌یابی به توسعه اقتصادی مناطق شهری و روستایی محسوب می‌گردد. انسجام اجتماعی بیانگر روح اجتماعی در فرآیند توسعه در سکونت‌گاه‌های انسانی است و شرط لازم را برای جوامع شهری و روستایی فراهم می‌کند تا از حداکثر توان تولیدی خویش استفاده کنند. پرواضح است در اجتماعات روستایی منسجم‌تر، کاهش نوسان‌های اقتصادی، افزایش امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد موجب تشکیل نهادهای بهتر و محیط سیاسی با ثبات‌تر، اثربخشی بیشتر نهادها و سازمان‌ها، کیفیت بالاتر سیاست‌های توسعه و در نتیجه، رشد درآمد سرانه و توسعه اقتصادی بالاتر می‌شود. اجتماعات روستایی با انسجام بیشتر، فقیر و غنی را در هزینه‌ها و فواید تغییرات شریک می‌کند و بدین طریق به شکلی مناسب‌تر از سکونت‌گاه‌های

^۱ - Misztal

^۲ - Vercelli

انسانی فاقد انسجام اجتماعی (که هزینه‌ها را بر دوش فقرا تحمیل و فواید را نصیب ثروتمندان می‌کند) رفاه را گسترش و فقر را کاهش می‌دهد (مجنونی‌توتاخانه، ۱۳۹۶: ۲۰).

۶-۱-۲ شبکه اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی مجموعه‌ای از افراد، سازمان‌ها و دیگر موجودیت‌های اجتماعی هستند که به واسطه مجموعه‌ای از روابط اجتماعی مانند دوستی، همکاری یا تبادل اطلاعات به یکدیگر متصل می‌شوند. ساختار این شبکه‌ها از افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها به مثابه گروه‌های آن تشکیل شده است. شبکه‌های اجتماعی به سرعت در حال تبدیل شدن به ابزار معمول انتشار اطلاعات در نهادهای یادگیری هستند. این امر در نتیجه آگاهی افراد نسبت به اهمیت و جایگاه اشتراک دانش و تکامل بیشتر فناوری است. شبکه‌های اجتماعی به عنوان بهترین رسانه جهت بررسی طیف گسترده‌ای از دانش در حوزه‌های مختلف، با استفاده از اینترنت به عنوان یکی از مناسب‌ترین واسطه‌های ارتباطی شناخته شده‌اند (بیرانوند و شنبدی، ۱۴۰۱).

۲-۱-۲ مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی یک نوع درگیر شدن در فعالیت‌هایی مانند کارهای سریعی که باید در زمان محدودی به انجام برسند، کارهای داوطلبانه، کمک متقابل به هم‌نوعان و غیره می‌شود. فراکسیون‌ها، نهادها و حزب‌های مردمی گوناگونی ایجاد شده و به صورت فعالان‌های در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، محیط‌زیست، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به فعالیت می‌پردازند و دستاوردهای خیره‌کننده‌ای نیز به دست آورده‌اند (ژو^۱ و همکاران، ۲۰۱۸).

^۱ - Guo

مشارکت اجتماعی ابتدا احساس ارزشمندی مردم را تضمین می‌کند و به‌عنوان وسیله‌ای ارزشمند برای بسیج و سازماندهی و تعالی بخشیدن به فعالیت‌های توسعه خود مردم به‌شمار می‌رود. مشارکت به‌مثابه شبکه‌ای است که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن به عرصه‌های بزرگتر تصمیم‌گیری دست‌گیدا کنند. بدون مشارکت راهبردهای توسعه غیرمردمی و بی‌نتیجه خواهد بود (برقی، ۱۳۹۹).

۸-۱-۲ حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی یک نوع شیوه‌ی سکونت و نحوه‌ی توزیع جمعیت در سکونت‌گاه‌ها است که این سکونت‌گاه‌های در حال گسترش در شهرهای بزرگ با مشکلات بی‌شماری روبه‌رو هستند (چرونیا^۱ و همکاران، ۲۰۲۰) و از خدمات، امکانات، تسهیلات رفاهی و زیربنایی از جمله: زیرساخت‌ها و دسترسی به منابع آب آشامیدنی سالم محروم هستند (محمدی‌تیراندازه و صادقی‌سقدل، ۱۴۰۱: ۳۱). به اعتقاد لوئیس^۲ (۱۹۹۸)، حاشیه‌نشینی با فرهنگ فقر همراه بوده است و ساکنان این مناطق که بیشتر از مهاجران هستند، به‌لحاظ سوابق قومی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند که با ساکنان مناطق شهری متفاوت است. نظریه‌ی فرهنگ فقر اشاره می‌کند که فرهنگ حاشیه‌نشینی نوعی شیوه‌ی زندگی است که ابعاد روانی و اجتماعی، گوشه‌گیری و حمایت‌نشدن جوانان از خانواده را دارد. حاشیه‌نشینی باعث پیامدهای اقتصادی و اجتماعی منفی می‌شود که شامل پیامدهای منفی فرهنگی و مشدد فرهنگ خاص حاشیه‌نشینی است. جدایی این دو فرهنگ منجر به تأخیر فرهنگی می‌شود. به همین خاطر است که حاشیه‌نشینی خود مولد تأخیر فرهنگی است (حسنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹).

^۱ - Cherunya

^۲ - Lewis

ریتزر^۱ (۲۰۰۷)، معتقد است که حاشیه‌نشینی مترادف با فقر در آمد تعبیر شده است و به افرادی گفته می‌شود که در بازار با دستمزدهای کم مشغول به کار هستند و زمینه‌ی محرومیت در افراد و گروه‌ها یا جوامع ثروت را جدا می‌کند (ریتزر، ۲۰۰۷).

۹-۱-۲ مناطق حاشیه‌نشین

یکی از چالش‌های بزرگ مناطق حاشیه‌نشین، تحولات حرکات‌های جمعیتی جهان از مناطق روستایی به شهرها است که در چند دهه‌ی اخیر، توجه بسیاری از مدیران، برنامه‌ریزان و محققان را به‌خود جلب کرده است (استاتز و اورز^۲، ۲۰۲۰: ۱۸).

۱۰-۱-۲ خودانگیخته

در چند سده گذشته چیره‌شدن اقتصاد سرمایه‌داری شهرمدار، کاستی‌ها و نارسایی‌های دولت و بازار رسمی و نابرابری در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت گسترده از حواشی فقر برای برخورداری از فرصت‌ها و با امید به آینده‌ای بهتر به‌سوی مراکز ثروت شهری را در پی داشته است: این روند با ناکارآمدی دولت‌ها و شهرها در تأمین نیاز به‌ویژه مسکن و اشتغال، به‌گسترش سکونت‌گاه‌های تهیدست‌نشین شهری انجامید، به‌طوری که اکنون یک‌سوم از افراد ساکن در شهرهای جنوب در سکونت‌گاه‌های خودانگیخته شهری زندگی می‌کنند (توروک و بورل - سالادین^۳، ۲۰۱۸: ۷۶۸).

^۱ - Ritzer

^۲ - Statz & Evers

^۳ - Turok & Borel - Saladin

۱۱-۱-۲ مسکن

مسکن از دیرباز مهم‌ترین مسأله زندگی انسان‌ها بوده است. داشتن سرپناهی مطمئن، ایمن و راحت از آرزوهای دیرینه هر انسانی است (شکرگزار و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۲). هر چند نوع و شکل مکانی که انسان‌ها در طول تاریخ به‌عنوان محل اسکان خود برگزیده‌اند تغییرات تدریجی و مداوم داشته است، این تحولات همواره در جهت رفاه انسان‌ها صورت گرفته است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۴). از این‌رو، مسکن تبدیل به یکی از اصلی‌ترین راهبردها در تصمیم‌گیری‌های کلان کشورها برای برنامه‌ریزی در خصوص مسکن شده است (کامرانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶). در کشورهای پیشرفته، مسکن بعدی از رفاه اجتماعی است و برنامه‌ریزی توسعه مسکن بر بهبود کیفی متمرکز است اما در کشورهای در حال توسعه، فقدان منابع کافی، ضعف مدیریت اقتصادی، نداشتن مدیریت جامع و افزایش شتابان جمعیت، تأمین مسکن در این کشورها را به‌شکل پیچیده و چندبعدی درآورده است (بهمنی و قائدرحمتی، ۱۳۹۵: ۴۸).

مسکن یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین بخش‌های توسعه و نیازهای شهروندان و افراد است. شکل‌گیری مسکن تابع عوامل و شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی، معیشتی و طراحی و ساخت جامعه استفاده‌کننده است. از این‌رو برنامه‌ریزی مسکن به‌عنوان اساسی‌ترین رکن برنامه‌ریزی توسعه کشور و عدالت اجتماعی است و همچنین در توسعه پایدار نقش مهم و حیاتی دارد. عواملی چون تأثیرات محیطی و اقلیمی، دوام و انعطاف‌پذیری خانه‌ها، فعالیت‌های اقتصادی و ارتباط آن‌ها با اقتصاد در سطحی بالاتر، بافت‌های فرهنگی و اجتماعی

جوامع، تأثیر مسکن بر کاهش فقر، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی نیز در زمره ابعاد مهم مسکن قرار گرفته‌اند (گلوبچیکوف و بدینا^۱، ۲۰۲۰: ۲۷۱)

۱۲-۱-۲ مسکن مهر

عمده‌ترین سیاست‌های کشور با هدف تأمین مسکن برای اقشار مختلف جامعه، شامل سیاست آماده‌سازی زمین شهری، سیاست مسکن حمایتی، مسکن اجتماعی، انبوه‌سازی، کوچک‌سازی، آپارتمان‌سازی و سیاست مسکن استیجاری بوده است. البته در سال‌های اخیر در کشور، به‌منظور برنامه‌ریزی برای مسکن اقشار بدون مسکن، «طرح مسکن مهر» نیز اجرا شده است (قنبری، ۱۳۹۵: ۲۳۰).

۲-۲ نظریه‌ها و رویکردهای سرمایه اجتماعی

۱-۲-۲ دیدگاه‌های سرمایه اجتماعی

دیدگاه اجتماع گرایی: در دیدگاه اجتماع گرایی، سرمایه اجتماعی با سازمان‌هایی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی برابر انگاشته می‌شود. اجتماع گرایان بر این اعتقادند که سرمایه‌های اجتماعی ذاتاً خیرند، وجود آن‌ها همواره اثری مثبت بر رفاه اجتماع دارد. این دیدگاه با تأکید بر محوریت پیوندهای اجتماعی در کمک به فقرا برای تدابیر، دفع مخاطرات و آسیب‌پذیری طبقه فقیر کمک مهمی به تحلیل فقر کرده است (پورعلی، ۱۳۹۶: ۱۲-۲۲).

دیدگاه شبکه‌ای: بر اساس دیدگاه شبکه‌ای سعی می‌شود هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی به حساب آورده شود. اهمیت پیوندهای عمودی و هم‌چنین افقی در بین مردم و

^۱ - Golubchikov & Badyina

روابط درونی و فیما بین این قبیل هویت‌های سازمانی (منتج از این پیوندها) به عنوان گروه‌ها و بنگاه‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد. این دیدگاه با بنا نهادن الگوی خود بر کاری که گرینوتر^۱ (۱۹۷۳)، انجام داده می‌پذیرد که پیوندهای نیرومند، درون اجتماع، به خانواده‌ها و اجتماعات حس هویت و مقصد مشترک می‌دهد. این دیدگاه همچنین تأکید دارد که پیوندهای قوی افقی بدون پیوندهای ضعیف تبیین اجتماعی از قبیل پیوندهایی که شکاف‌های گوناگون اجتماعی مبتنی بر دین، طبقه، قومیت، جنسیت و شئون و موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی را در می‌نوردد و ممکن است به صورت مبنایی برای پی‌جویی منافع فرقه‌ای در آیند (طهماسبی‌پور و فخرآبادی، ۱۴۰۱: ۲۷۷-۲۹۷)

دیدگاه نهادی: این دیدگاه مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. نگرش نهادی سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته تلقی می‌کند. استدلال طرفداران این رویکرد این است که خود ظرفیت گروه‌ها برای عمل کردن به خاطر نفع جمعی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی است که تحت تأثیر آن‌ها قرار دارند. طرفداران دیدگاه نهادی همچنین تأکید می‌ورزند که چگونگی عملکرد دولت‌ها و بنگاه‌ها نیز به نوبه خویش وابسته به انسجام درونی، اعتبار و صلاحیت درونی‌شان از یک سو و پاسخ‌گویی آن‌ها در برابر جامعه مدنی از سوی دیگرند (پورعلی، ۱۳۹۶: ۱۲-۲۲).

دیدگاه همیاری: این دیدگاه می‌کوشد آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. اگرچه طرفداران دیدگاه همیاری پیشینه‌های فکری خود را به آثار متقدم‌تر در زمینه اقتصاد سیاسی تطبیقی و مردم‌شناسی ربط می‌دهند، اما مؤثرترین بخش تحقیقات ایشان در یکی از ویژه نامه‌های (گزارش) توسعه جهانی به چاپ رسیده است. نویسندگان این

^۱ - Greenwater

ویژه نامه مطالعات مواردی مربوط به برزیل، هند، مکزیک، کره جنوبی و روسیه را در جست‌وجوی شرایطی که به همیاری منجر به توسعه کمک می‌کند، یعنی ائتلاف‌های پویای حرفه‌ای و مناسبات مابین دیوانسالاری‌های دولتی و جامعه مدنی مورد بررسی قرار داده‌اند (طهماسبی پور و فخرآبادی پور، ۱۴۰۱: ۲۷۷-۲۹۷).

۲-۲-۲ نظریه‌های سرمایه اجتماعی

برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی می‌توان از سه تئوری پیوندهای ضعیف، شکاف ساختاری و تئوری منابع اجتماعی استفاده کرد. تئوری پیوند ضعیف و شکاف ساختاری بر شبکه ارتباطات تأکید دارند و تئوری منابع اجتماعی بر محتوای روابط در شبکه‌ها متمرکز می‌باشد.

۱) نظریه‌های پیوندهای ضعیف^۱

مطابق این تئوری هرچه شدت و استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کمتر و هرچه شدت و استحکام این روابط کمتر و ضعیف‌تر باشد میزان سرمایه اجتماعی بیشتر خواهد بود. به اعتقاد گرانووتر^۲ سرمایه اجتماعی را می‌توان از نظر شدت، تکرار و پیوندهای موجود میان انواع مختلف روابط مانند دوستی‌ها، همکاری‌ها و ... مورد سنجش قرار داد. شدت و استحکام روابط یک گروه اجتماعی در داخل یک گروه باعث تضعیف روابط اعضای آن گروه با سایر گروه‌ها می‌گردد. در واقع گرانووتر معتقد بود که روابط منسجم و قوی میان اعضای یک گروه، منجر به روابط ضعیف با اعضای گروه‌های خارجی شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد و در مقابل، پیوندهای ضعیف درون

^۱ - Weak Tise Theory

^۲ - Granvator

گروهی موجب ایجاد روابط با افراد و گروه‌های خارجی شده و باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود (الوانی، ۱۳۹۷: ۴۲-۵۸).

۲) نظریه شکاف ساختاری^۱

این تئوری که در سال (۱۹۹۲)، توسط برت^۲ برای مفهوم‌سازی شبکه اجتماعی به کار برده است که بر روابط میان فرد و همکاران وی در یک شبکه و همچنین روابط میان همکاران با یکدیگر تأکید دارد. منظور از شکاف در این تئوری، فقدان ارتباط میان فردی در یک شبکه اجتماعی است، که فی‌نفسه مزیتی برای سازمان به‌شمار می‌رود. مطابق این تئوری، اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با هم در ارتباط نیستند و یا ارتباط اندکی با یکدیگر دارند، ارتباط برقرار کند، نهایت استفاده را خواهد برد. تقویت و بهبود شبکه‌ای که در روابط اعضای آن شکاف وجود دارد موجب خلق مزایی از جمله: انتقال و ارزیابی سریع و بی‌نظیر اطلاعات، قدرت چانه‌زنی بیشتر و افزایش توان کنترل بر منابع و نتایج می‌شود. به‌گونه دیگر نیز می‌توان مفهوم تئوری شکاف ساختاری را بررسی کرد: این تئوری فرض می‌کند که بازارها، سازمان‌ها و افرادی که در ارتباط با هم هستند در صورتی که روابط آن‌ها ساختار نیافته، بی‌نظم و تعریف نشده باشد، به‌عنوان یک سرمایه سودآور برای آن‌ها تلقی خواهد شد و هرچه روابط میان آن‌ها منظم‌تر و ساختارمندتر باشد از این سرمایه کاسته می‌شود. به‌طور کلی رسمیت و قانونمند شدن ساختاری با سرمایه اجتماعی در تعارض است. تئوری شکاف ساختاری، سرمایه اجتماعی را یک «شبکه ساختارگونه» تعریف می‌کند که متاثر از عوامل ذیل است (تامر و همکاران، ۲۰۲۱: ۹۶۳-۹۷۲).

^۱ - Structural Hole Theory

^۲ - Brett

اندازه شبکه: شبکه های وسیع و گسترده ، کمتر تحمیلی بوده و اجبار برای تبعیت اعضا کمتر است.

• **تراکم یا چگالی شبکه:** شبکه هایی که در آن ارتباط و تعامل میان اعضا

شدت بیشتری دارد، اجبار اعضا برای تبعیت زیاد است.

• **سلسه مراتب شبکه:** شبکه هایی که در آن، روابط بر پایه یک ارتباط

مسلط شکل می گیرد، حالت جبر و تحمیل بیشتری دارد. مطابق این تئوری

برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی باید به سه عامل فوق توجه نمود. هرچه

اندازه شبکه وسیع تر و تراکم و سلسله مراتب موجود در آن کمتر باشد

میزان سرمایه اجتماعی رو به فزونی است (روتن^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۸۶۳-

(۸۷)

۳) نظریه منابع اجتماعی^۲

این تئوری که ریشه های آن به مطالعات این و کاتور^۳ در سال (۱۹۸۱)، می رسد پیوندهای

موجود در شبکه را بدون وجود منابع داخل آن کارآمد نمی داند. از دیدگاه این تئوری فقط

منابع موجود درون یک شبکه است که می تواند به عنوان یک سرمایه قلمداد شود. به عنوان

مثال، ممکن است اعضای شبکه دارای منابع زیادی از جمله : قدرت نفوذ، تحصیلات عالیه ،

مقام مناسب و ... باشند و به عنوان منبع با ارزش شناخته شوند، اما این منابع تنها در صورتی

سرمایه محسوب خواهند شد که فرد نیاز به آن منابع داشته باشد. به طور خلاصه از دیدگاه این

^۱ - Rutten

^۲ - Social Resource Theory

^۳ - In & Kator

تئوری، اعضای موجود در شبکه دارای منابع با ارزشی هستند که می‌تواند فرد را در رسیدن به اهداف یاری رساند.

با مرور ادبیات مربوط به مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که تئوری پیوندهای ضعیف به ماهیت تعاملات و ارتباطات میان افراد اشاره دارد، تئوری شکاف ساختاری بر الگوی این پیوندها و ارتباطات در میان اعضای موجود در شبکه اجتماعی تمرکز داشته و تئوری منابع اجتماعی بر ویژگی‌های ارتباطات و تعاملات اعضاء و محتوی روابط اشاره دارد. به عبارتی، تئوری پیوندهای ضعیف و شکاف ساختاری هر دو بر «ساختار» شبکه‌ها معطوف هستند در حالی که تئوری منابع اجتماعی به «محتوی شبکه» توجه دارد (تامر و همکاران، ۲۰۲۱: ۹۶۳-۹۷۲).

۳-۲-۲ مدل سنجش سرمایه اجتماعی

نظریه پردازان مدل‌های مختلفی برای سنجش سرمایه اجتماعی ارائه نموده‌اند که در این پژوهش سعی شده است یکی از مدل‌های کیفی سنجش سرمایه اجتماعی ارائه شود. این مدل که از آن با عنوان مدل مرکز تحقیقات و یادگیری غیرمنطقه‌ای استرالیا^۱ نام برده می‌شود توسط فالک و کیلپاتریک^۲ در سال (۲۰۰۰) میلادی، ارائه شده است. این مدل سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد بررسی قرار می‌دهد. در سطح خرد، سرمایه اجتماعی به اعضای موجود در شبکه اشاره دارد که تعامل میان این اعضاء باعث حصول شناخت و شکل‌گیری هویت اعضاء می‌شود. در سطح میانی، سرمایه اجتماعی به اجتماعات، گروه‌ها و سازمان‌ها اشاره دارد که منجر به روابط تعاملی در بین اعضای گروه می‌شود. در سطح کلان

^۱ - Center for Research & Learning Inregional Australia

^۲ - Faulk & Kilpatrick

به جامعه که در برگیرنده افراد، سازمان‌ها و اجتماع است تمرکز داشته و موجب شکل‌گیری و تقویت مراودات و ارتباطات جمعی شده و ارزش‌های مشترک را بهبود می‌بخشد. هر کدام از این سه سطح با هم در ارتباط و تعامل بوده و موجب تقویت یا تضعیف همدیگر می‌شوند (روتن و همکاران، ۲۰۲۰: ۸۶۳-۸۷۱).

۲-۲-۴ نظریه پردازان سرمایه اجتماعی

بحث سرمایه اجتماعی، در مقاله‌ای توسط هنیفن^۱ از دانشگاه ویرجینیای غربی برای نخستین بار مطرح شد. وی یک تصویر اجمالی از سرمایه اجتماعی ارائه داد که بیشتر متوجه ابعاد انسانی و تربیتی این واژه بود اما با وجود اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی که توسط جین جاکوب در اثرش به نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی در برنامه‌ریزی شهری به کار برده شد، شکل جدی به خود نگرفت. به اعتقاد او، برای یک شهر شبکه‌ها نقش اجتماعی را دارند (اجتهادی، ۱۳۹۶).

(۱) هنیفن

نخستین نویسنده‌ای است که از اصطلاح «سرمایه اجتماعی» استفاده کرد. این مربی آموزشی گمنام ویرجینیای غربی در مقاله‌ای نابسامانی‌های نظام آموزشی کشورش، ایالات متحده آمریکا، را بررسی می‌کند و اصطلاح «سرمایه اجتماعی» را برای تبیین دگرگونی‌هایی که در روابط اجتماعی دانش‌آموزان مشاهده کرده، به کار می‌برد. او گزارش می‌دهد که در مدرسه‌های آمریکایی پیوسته از میزان حسن نیتی که دانش‌آموزان برای برقرار کردن رابطه با یکدیگر به آن نیاز دارند، کاسته می‌شود و دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر کم توجه شده و بیش از پیش از خواسته‌های فردی و شخصی خود پیروی می‌کنند: همدلی میان آن‌ها کاهش یافته و از این-

^۱ - Henifen

رو آن‌ها برای معاشرت و روابط پایدار با یکدیگری تمایل کمتری از خود نشان می‌دهند. هنیفن این تغییرات را با میزان یا اندازه سرمایه اجتماعی در مدرسه‌های آمریکایی مرتبط می‌داند (روتن و همکاران، ۲۰۲۰). در نظر او سرمایه اجتماعی آن «چیزی» یا آن «پدیده‌هایی» است که در روابط میان انسان‌ها نهفته است و سبب پدید آمدن «حسن نیت» میان آن‌ها می‌شود: همدلی آن‌ها را بر می‌انگیزد، آن‌ها را پیرو جمع می‌کند و بدین سان زمینه معاشرت بیشتر و روابط پایدار میان آن‌ها را فراهم می‌آورد. افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی بر میزان حسن نیت، همدلی و معاشرت‌های اجتماعی میان انسان‌ها اثر می‌گذارد. هسته اصلی اندیشه هنیفن، در واقع این است که میان «سرمایه اجتماعی» و «رابطه اجتماعی» پیوندی درونی و تنگاتنگ وجود دارد و سرمایه اجتماعی در درون «رابطه اجتماعی» نهفته و پنهان است. این برداشت از اصطلاح سرمایه اجتماعی پایه همه بحث‌هایی که پس از هنیفن مطرح شد، قرار گرفت و بدین سان، زمینه ورود این اصطلاح را به حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی، هر چند با کاربردهای متفاوت را فراهم آورد. بنابراین، بحث اصلی هنیفن درباره آن دگرگونی‌هایی است که در گذر زمان در یک رابطه اجتماعی می‌تواند پدید آید و آن رابطه را به رابطه‌ای «گرم و صمیمی» یا رابطه‌ای «سرد و غیرصمیمی» تبدیل کند. ریشه این دگرگونی‌ها در چیزی به نام «سرمایه اجتماعی» نهفته است (اجتهادی، ۱۳۹۶).

۲) جاکوب^۱

جین جاکوب سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، نبودن جرم و جنایات خیابانی و دیگر تصمیمات در

^۱ - Jacobs

مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی، پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۵-۴۲).

۳) پاتنام

رابرت پاتنام پس از انتشار مطالعه برجسته خود تحت عنوان «بولینگ تنها» تبدیل به شناخته‌شده‌ترین چهره سرمایه اجتماعی گردید. کار پاتنام از مرزهای رشته تخصصی وی که علوم سیاسی می‌باشد فراتر رفته و به حوزه عمومی رسیده است. پاتنام پس از کار بر روی ارزش‌های اجتماعی و نگرش‌های سیاسی، اولین مطالعه جدی خود را درباره نقش تعهد مدنی در ایجاد ثبات سیاسی و رونق اقتصادی، براساس کار میدانی در ایتالیا، انجام داد. پس از آن، پاتنام به سرعت توجه خود را به آمریکا مبذول داشت و مقالاتی را به چاپ رساند که در آن‌ها نشان می‌داد از دهه (۱۹۴۰)، نزول قابل توجهی در سرمایه اجتماعی آمریکا وجود داشته است که این نزول تبیین‌کننده کنترل ناپذیری بخش اعظم آمریکای شهرنشین است (ویجز و مینو^۱، ۲۰۱۷: ۱۳۳-۱۵۱). اولین توصیه‌های پاتنام به بحث‌های سرمایه اجتماعی از اواخر مطالعات وی در طرح دولت محلی در ایتالیا آغاز شد. او با به کارگیری مفهوم سرمایه اجتماعی می‌خواست تفاوت‌های موجود در التزام شهروندی را با وضوح بیشتری به نمایش درآورد. او ابتدا به ارائه بحث‌های مفصل شواهد خود در مورد عملکرد نهادهای نسبی و سطوح التزام شهروندی پرداخت و سپس تعریف را از سرمایه‌های اجتماعی ارائه کرد: سرمایه اجتماعی اشاره‌کننده به مشخصات تشکیلات اجتماعی است: مشخصاتی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند با تسریع فعالیت‌های هماهنگی، کارایی جامعه را بهبود بخشند. تعریف سرمایه اجتماعی توسط پاتنام در دهه (۱۹۹۰)، کمی تغییر یافت. او در سال (۱۹۹۶)، بیان داشت:

^۱ - Weijjs

منظور من از سرمایه اجتماعی، مشخصات زندگی اجتماعی «شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد» است که سبب می‌شود تا مشارکت کنندگان در فعالیت مشترک کاراتری برای تعقیب اهداف مشترک خود وارد شوند. سه عنصر اصلی اولیه از سال (۱۹۹۳)، تغییری نیافته‌اند اما عنصر جدید ارائه شده «مشارکت کنندگان» است که در واقع به جای جامعه از منافع سرمایه اجتماعی سود می‌جوید. پس از این پاتنام در اثر معروف خود این گونه می‌گوید: هسته اصلی سرمایه اجتماعی همان شبکه‌های با ارزش است (ویلیامسون^۱، ۲۰۲۲). ارتباطات اجتماعی بر کارایی افراد و گروه‌ها تأثیرگذار است. از نظر او، ارتباطات اجتماعی یعنی ارتباطات بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و معیارهای تعامل و اعتمادی ایجاد می‌شوند. پاتنام سعی داشت تا اعتماد را (به همراه عمل متقابل) به عنوان یک جزء ذاتی هنجارهایی که در نتیجه شبکه‌های اجتماعی به وجود می‌آیند ارائه دهد و بدین طریق، به جای سه عنصر، دو عنصر اصلی که شبکه‌ها و هنجارها می‌باشند را مطرح می‌کند. همچنین پاتنام تمایزی بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی، یعنی: سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده (جامعه) و درون گروهی (انحصاری) طرح می‌کند. سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده: افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی مختلف را گرد هم می‌آورد و سرمایه اجتماعی درون گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود.

هر یک از این اشکال برای رفع نیازهای متفاوت می‌تواند مفید باشد. سرمایه اجتماعی درون گروهی، برای تقویت تعامل‌های خاص و ایجاد همبستگی مفید است و همچنین به عنوان یک چسب قوی جامعه‌شناسی برای حفظ وفاداری درون گروهی و تقویت هویت‌های خاص عمل می‌کند. عناصر ارتباط‌دهنده، برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات مفید

^۱ - Williamson

هستند که با فراهم‌سازی یک بینش جامعه‌شناختی باعث ایجاد هویت و تعاملات در یک سطح وسیع می‌شود (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۵-۴۲).

۴) بوردیو^۱

بوردیو اولین کسی است که به‌زعم پورتر تحلیل منظمی از سرمایه اجتماعی به‌دست داده است و این مفهوم را چنین تعریف کرده است: سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه‌شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه اجتماعی ایجاد می‌شود. بوردیو به آسانی به‌مفهوم سرمایه اجتماعی دست یافت. بوردیو در واقع یک جامعه‌شناس اروپایی علاقه‌مند به مسأله دوام طبقه اجتماعی و دیگر انواع تعدی در مسأله بی‌عدالتی به‌شمار می‌آمد. تعریف واژه‌ها توسط بوردیو، با توجه خاصی که به مفهوم سرمایه فرهنگی داشت، متفاوت از تعریف دیگران بود. وی در تحقیق به یادماندنی خود در مورد ذائقه و تشخیص در میان طبقه متوسط فرانسوی‌ها، که توجهی خاص به شاخص‌های عملی سرمایه اجتماعی کرده بود، فقط یک شاخص سرمایه اجتماعی را ارائه داد: عضویت در باشگاه‌های گلف که چرخ‌های زندگی حرفه‌ای را روغن‌کاری می‌کرد. بوردیو برای نخستین بار در سال (۱۹۷۳)، سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرد: سرمایه اجتماعی عبارت است از سرمایه ارتباطات اجتماعی که در صورت لزوم حمایت‌های مفید را ایجاد می‌کند: سرمایه‌ای از مقبولیت و احترام که غالباً زمانی که شخص می‌خواهد توجه مردم را در یک موقعیت اجتماعی مهم جلب کند، ضروری است و شاید مانند پول در حرفه سیاسی به کار آید. او بعداً این تعریف را اصلاح کرد و گفت: سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از

^۱ - Bourdieu

ارتباطات نهاده شده با آشنایی‌های دو جانبه محترم هستند (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۹۰).

بورديو سه نوع سرمايه را شناسايي نمود: اين اشكال سرمايه عبارت از شكل اقتصادي، فرهنگي و اجتماعي بودند و شكل اقتصادي سرمايه بلافاصله قابل تبديل به پول مانند دارايي‌هاي منقول و ثابت يك سازمان است. سرمايه فرهنگي نوع ديگر از سرمايه است كه در يك سازمان وجود دارد مانند تحصيلات عاليه اعضاي سازمان كه اين نوع سرمايه نيز در برخي موارد و تحت شرايطي قابل تبديل به سرمايه اقتصادي است و سرانجام شكل ديگر سرمايه، سرمايه اجتماعي است كه به ارتباطات و مشاركت اعضاي يك سازمان توجه دارد و مي‌تواند به عنوان ابزاري براي رسيدن به سرمايه‌هاي اقتصادي باشد (وينتر^۱، ۲۰۲۰). همان گونه كه ملاحظه مي‌شود، از ديدگاه بورديو سرمايه اقتصادي شكل غالب سرمايه گذاري است و انواع ديگر سرمايه كه شامل فرهنگي و اجتماعي است، به عنوان ابزاري جهت حصول به سرمايه اقتصادي مفهوم پيدا مي‌كنند. از نظر بورديو، سرمايه اجتماعي در ممالك سرمايه‌داري به عنوان ابزاري براي تثبيت و تقويت جايگاه اقتصادي افراد به شمار مي‌رود، در اين ممالك، سرمايه اقتصادي پايه است و سرمايه اجتماعي و فرهنگي ابزاري براي تحقق آن محسوب مي‌شود. مي‌توان نتيجه گرفت كه ديدگاه بورديو در زمينه سرمايه اجتماعي يك ديدگاه ابزاري صرف است. به عبارتي اگر سرمايه اجتماعي نتواند موجب رشد سرمايه اقتصادي شود، کاربردي نخواهد داشت. از ديدگاه بورديو سرمايه اجتماعي دو شاخص اساسي دارد: (۱) اعتماد و (۲) پيوند (الواني، ۱۳۹۷: ۴۲-۵۸).

^۱ - Winter

(۵) کلمن^۱

نقش سرمایه اجتماعی در ساختار کنش مفهوم سرمایه اجتماعی را که ابتدا اقتصاددانان با توجه خاصی به آن پرداختند کلمن از بعد اجتماعی نگریست. کلمن جامعه‌شناسی است که به نقش سرمایه اجتماعی در آفرینش سرمایه انسانی و پیامدهای آموزشی آن توجه کرده است. او یک کارکرد توصیفی از سرمایه اجتماعی ارائه داده است. بدین ترتیب که سرمایه اجتماعی یک جوهره مجرد ندارد بلکه یک گستره متفاوتی از وجودها است که دو ویژگی عام دارد، اولی جوهره ساختاری و دومی جوهره کنش‌مندی آن است که دو بعد ساختاری و کنشی را به هم متصل می‌کند. به عبارتی سرمایه اجتماعی یک شیء واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که همه آنها اولاً: جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و دوماً: کنش‌های معین افراد را در درون ساختار تسهیل می‌کنند. کلمن در دسته اندیشمندانی است که پیرو نظریه تلفیقی سطوح خرد و کلان در تبیین پدیده‌های اجتماعی است. کلمن سازمان اجتماعی را پدید آورنده سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد، وی معتقد است که سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. همانند بورديو، علاقه کلمن به سرمایه اجتماعی ناشی از کوشش‌های وی در تشریح ارتباطات فی مابین نابرابری اجتماعی و توفیقات در تحصیلات است. کلمن تعریف گسترده‌تری از سرمایه اجتماعی را در تألیف جامعه‌شناسی منطقی ارائه کرد. او سرمایه اجتماعی را به قرار زیر تعریف کرد: مجموعه منابعی که همراه ارتباطات فامیلی و مؤسسات اجتماعی جامعه است و در توسعه اجتماعی و ادراکی کودک یا فرد جوان مفید واقع می‌شود. این منابع برای افراد مختلف یکسان نبوده و در توسعه سرمایه انسان، کودکان و جوانان مزیت فوق‌العاده‌ای به حساب می‌آید. کلمن، اعتماد و تعهد را لازمه سرمایه اجتماعی یک گروه می‌داند. به نظر او، سرمایه اجتماعی ترکیبی از ساختارهای اجتماعی مانند اشکال سرمایه مولد

^۱ - Coleman

است و بدون آن نیل به برخی از اهداف میسر نیست (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۹۰).

اما برخلاف بوردیو، کلمن از واژگان مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفت، وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریف ماهوی. براین اساس، سرمایه اجتماعی عبارت از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منابعی در اختیار اعضاء قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند. تعاریف بوردیو و کلمن تا حدودی شبیه به هم هستند. هم بوردیو و هم کلمن قائل به مشارکت و عضویت فرد در گروه بودند و ماحصل آن را به عنوان سرمایه تلقی می‌نمودند. بوردیو برای این مفهوم از واژه «چسبندگی» و کلمن از واژه «ساختار اجتماعی» کمک گرفتند. برخلاف بوردیو که سرمایه اقتصادی را به عنوان هدف غایی در نظر گرفت، کلمن، سرمایه انسانی را به عنوان هدف غایی مطرح و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار برد. به عبارتی، کلمن با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی سعی در شناخت نقش هنجارها و ارزش‌ها در داخل خانواده یا شبکه‌های اجتماعی بود تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه انسانی شود (الوانی، ۱۳۹۷: ۴۲-۵۸). سرمایه اجتماعی منبعی برای کنش افراد است. برای مثال، گروهی از افراد که واقعاً به یکدیگر اعتماد دارند در قیاس با گروهی که فاقد چنین اعتمادی در بین خود هستند از قوای همکاری بیشتری با یکدیگر برخوردارند. کلمن تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی ضرورتاً از بافت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع سرمایه اجتماعی در رابطه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی موجود بین گروه‌هایی که کار مشارکتی را تسهیل می‌کنند وجود دارد اما این ضرورتاً قابل انتقال به دیگر بافت‌ها نیست.

کلمن بر سودمندی سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی برای همکاری، روابط دو جانبه و توسعه اجتماعی تأکید می‌ورزد. به نظر کلمن، عواملی چون کمک، ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها به ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند. کلمن شاخص‌های زیر را برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد:

(۱) تعهدات ایجاد شده

(۲) دسترسی اطلاعات

(۳) هنجارهای اجتماعی

(۴) اقتدار.

بر مبنای نظر کلمن عوامل ساخت سرمایه اجتماعی از چهار دسته زیر خارج نیست (کلمن، ۲۰۰۸).

(۱) عوامل نهادی

(۲) عوامل خودجوش

(۳) عوامل بیرونی

(۴) عوامل طبیعی.

هر یک از این عوامل خود به گروه‌های کوچکتری قابل تقسیم هستند که آن‌را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۲-۱: طبقه‌بندی عوامل ساخت سرمایه اجتماعی

ردیف	گروه‌های کلی	گروه‌های جزئی
۱	عوامل نهادی	عقلانی غیرعقلانی
۲	عوامل خودجوش	عقلانی غیرعقلانی
۳	عوامل بیرونی	دین ایدئولوژیک فرهنگ و تجربه تاریخی مشترک
۴	عوامل طبیعی	خویشاوندی نژاد و قومیت

(کلمن، ۲۰۰۸)

۶) فوکویاما^۱

فوکویاما محقق نظریات بزرگ در سال (۱۹۹۲)، به یکباره در جمع اندیشمندان با «پایان نظم» و «آخرین انسان» ظاهر شد. در سال (۱۹۹۵)، فوکویاما کتاب «اعتماد، خصایص اجتماعی و آفرینش سعادت» را منتشر کرد. این کتاب در حوزه مطالعات سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. او هم چون پاتنام بر اعتماد به عنوان اساس ساختاری برای توفیق‌های اقتصادی تأکید دارد. در کتاب «زوال بزرگ» فوکویاما هنجارهای اجتماعی و ارزش‌ها را مطرح کرد. او از اوایل سال‌های (۱۹۶۰) تا اوایل سال‌های (۱۹۹۰)، اغلب کشورهای غربی را مورد مطالعه قرار داد و متوجه شد که در این کشورها زوال بزرگ فروپاشی خانواده در راه است. فوکویاما با تکیه بر مفهوم سرمایه اجتماعی تلاش دارد تا این نوع سرمایه را که بعد اجتماعی دارد به وضعیت بخش فرهنگی جوامع مدرن متصل نماید. فوکویاما معتقد است هنجارهای غیررسمی متقابل که بار ارزشی دارد تولیدکننده سرمایه اجتماعی و به دنبال آن سرمایه اجتماعی زاینده اعتماد و جامعه مدنی و بالاخره هماهنگی و انجام بهره‌ای که نصیب سیستم‌های کلان اجتماعی می‌شود. او خانواده را مهم‌ترین سرمایه اجتماعی و عامل اصلی انباشت و انتقال آن می‌داند. از دید فوکویاما سرمایه اجتماعی وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها و هنجارها ممکن است ارزش‌ها و هنجارهای منفی باشد. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد. واضح است که هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند تقسیم‌پذیرند. یعنی

^۱ - Fukuyama

می‌توانند تنها میان گروه محدودی از مردم همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران. در حالی که سرمایه اجتماعی در همه جوامع وجود دارد اما می‌تواند به طرق مختلف توزیع گردد. در ارتباط با سرمایه اجتماعی توجه به دو مسأله حائز اهمیت می‌باشد: اول این که سرمایه اجتماعی زیر مجموعه سرمایه انسان نیست چرا که این سرمایه متعلق به گروه‌ها است و نه افراد. هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنی دارد که بیش از یک فرد در آن سهم باشد. گروهی که حامی سرمایه اجتماعی هستند ممکن است به کوچکی دو دست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کنند یا در پروژه‌ای مشترکاً همکاری می‌کنند و یا ممکن است در مقیاس بزرگتری تمامی یک ملت باشند. دوم سرمایه اجتماعی با توجه به علم سیاست و علم اقتصاد لزوماً چیز خوبی نیست. در این علوم همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی خواه خوب یا بد، ضروری است (ساروخانی، ۱۴۰۰).

فوکویاما در ارتباط با سرمایه اجتماعی دو نکته را تأکید می‌کند:

(۱) سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌ها است نه افراد، به عبارت دیگر هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دارند که بیش از یک فرد در آن سهم باشند.

(۲) همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی (خواه بد و خواه خوب) ضروری است. پس ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی می‌تواند مثبت و منفی باشد (علاقه‌بند، ۱۳۹۸).

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی دو بعد اصلی دارد: (۱) ارزش‌های غیررسمی و (۲) هنجارهای غیررسمی.

با توجه به تعاریف و بیان اجزای سرمایه اجتماعی، چهار جزء در همه آن ها مشترک هستند که می توان به عنوان ابعاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفت (ساروخانی، ۱۴۰۰).

۱) مشارکت در شبکه ها

۲) روابط متقابل

۳) هنجارها و ارزش های اجتماعی

۴) اعتماد.

۵-۲-۲ چارچوب نظری پژوهش

متغیر مستقل در این پژوهش سرمایه اجتماعی می باشد که خود شامل مؤلفه هایی است که این مؤلفه ها عبارت اند از: آگاهی شهروندان: آگاهی از حقوق شهروندی، مجموعه ای از افکار، عقاید، حساسیت نسبت به زندگی و توجه به هر آن چه که در وسیع ترین معنا به امور عمومی اعم از سیاسی یا اجتماعی مربوط می شود است، اعتماد اجتماعی: اعتماد سطحی از اطمینان است که یک فرد در رابطه با شهروندان و حکومت از خود بروز می دهد و بر اساس آن رفتاری منصفانه، اخلاقی و قابل پیش بینی ارائه می کند، انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی، به عنوان زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه قلمداد می شود. اهمیت انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی اجتماعات شهری و روستایی به حدی است که می توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمامی سکونت گاه های انسانی کشورهای توسعه یافته به طور آشکاری مشاهده کرد، شبکه اجتماعی: شبکه های اجتماعی مجموعه ای از افراد، سازمان ها و دیگر موجودیت های اجتماعی هستند که به واسطه مجموعه ای از روابط اجتماعی مانند دوستی، همکاری یا تبادل اطلاعات به یکدیگر متصل می شوند، مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی یک نوع درگیر شدن در فعالیت هایی مانند کارهای سریعی که باید در زمان محدودی به انجام برسند، کارهای داوطلبانه، کمک

متقابل به هم‌نوعان و غیره می‌شود. فراکسیون‌ها، نهادها و حزب‌های مردمی گوناگونی ایجاد شده و به‌صورت فعالان‌های در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، محیط‌زیست، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به فعالیت می‌پردازند و دستاوردهای خیره‌کننده‌ای نیز به‌دست آورده‌اند، می‌باشد که هر کدام از این مؤلفه‌ها به‌طور مختصر در این فصل توضیح داده شد. متغیر وابسته مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته: یکی از چالش‌های بزرگ مناطق حاشیه‌نشین، تحولات حرکات‌های جمعیتی جهان از مناطق روستایی به شهرها است که در چند دهه‌ی اخیر، توجه بسیاری از مدیران، برنامه‌ریزان و محققان را به‌خود جلب کرده است. در چند سده گذشته چیره‌شدن اقتصاد سرمایه‌داری شهرداری، کاستی‌ها و نارسایی‌های دولت و بازار رسمی و نابرابری در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت گسترده از حواشی فقر برای برخورداری از فرصت‌ها و با امید به آینده‌ای بهتر به‌سوی مراکز ثروت شهری را در پی داشته است: این روند با ناکارآمدی دولت‌ها و شهرها در تأمین نیاز به‌ویژه مسکن و اشتغال، به‌گسترش سکونت‌گاه‌های تهیدست‌نشین شهری انجامید، به‌طوری که اکنون یک‌سوم از افراد ساکن در شهرهای جنوب در سکونت‌گاه‌های خودانگیخته شهری زندگی می‌کنند و مسکن مهر شهر کرمانشاه: عمده‌ترین سیاست‌های کشور با هدف تأمین مسکن برای اقشار مختلف جامعه، شامل سیاست آماده‌سازی زمین شهری، سیاست مسکن حمایتی، مسکن اجتماعی، انبوه‌سازی، کوچک‌سازی، آپارتمان‌سازی و سیاست مسکن استیجاری بوده است. البته در سال‌های اخیر در کشور، به‌منظور برنامه‌ریزی برای مسکن اقشار بدون مسکن، «طرح مسکن مهر» نیز اجرا شده است می‌باشد.

۳ معرفی محدوده مورد مطالعه

۳-۱ جغرافیای طبیعی

۳-۱-۱ موقعیت و شکل طبیعی شهر

استان کرمانشاه با وسعت حدود ۲۴۶۴۰ کیلومتر مربع به مرکزیت شهر کرمانشاه در میانه ضلع غربی کشور بین ۳۲ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته و از شمال به استان کردستان از جنوب به استان لرستان و ایلام از شرق به استان همدان و از مغرب به کشور عراق محدود شده است. استان کرمانشاه در مسیر شمالی - جنوبی رشته کوه زاگرس و بر روی یال غربی آن قرار گرفته است. سلسله جبال زاگرس در این منطقه نه به شکل دیواره ای ممتد بین دشت تاریخی بین النهرین و اراضی داخلی فلات ایران بلکه به صورت مجموعه از رشته کوه های موازی و دشت های مرتفع کوهستانی در بینابین آن ها شکل گرفته است. به همین علت عمده ترین گذرگاه های زاگرس در این استان قرار دارند. شهر کرمانشاه در شرق استان کرمانشاه و در ۳۴ درجه و ۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۷ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این شهر نیز همچون غالب شهرهای قدیمی ایران در ناهمواری های کوهپایه ای شکل گرفته است با این تفاوت که دشت وسیعی این شهر را در بستر عبور شاهراه های منطقه ای قرار داده است. در کنار این عوامل جغرافیایی و نیز اهمیت اقتصادی کرمانشاه همچنین وجود مراتع وسیع و زمین های زراعی آب و هوای مناسب و بارندگی کافی در شکل گیری آن مؤثر بوده اند.

از نقطه نظر موقعیت طبیعی شهر کرمانشاه در مرز تباین چند منطقه طبیعی (اکوتون) و در محدوده‌ای کوهستانی واقع شده است. اکوتون‌ها بر پایان یک و یا چند تنگنای طبیعی قرار دارند و آغاز گشایش محیطی برای سکونت انسان‌ها اطلاق می‌شوند. با این تعبیر اکوتون‌ها در برگیرنده ناحیه هستند که بعد از گستره‌های سخت و مقاوم در برابر تغییر نخستین نشانه‌های انعطاف طبیعت را نشان می‌دهند. بنابراین قلمروهای اکوتونی اولین پهنه‌های فارغ از محدودیت‌های طبیعی برای اسکان به حساب می‌آیند.

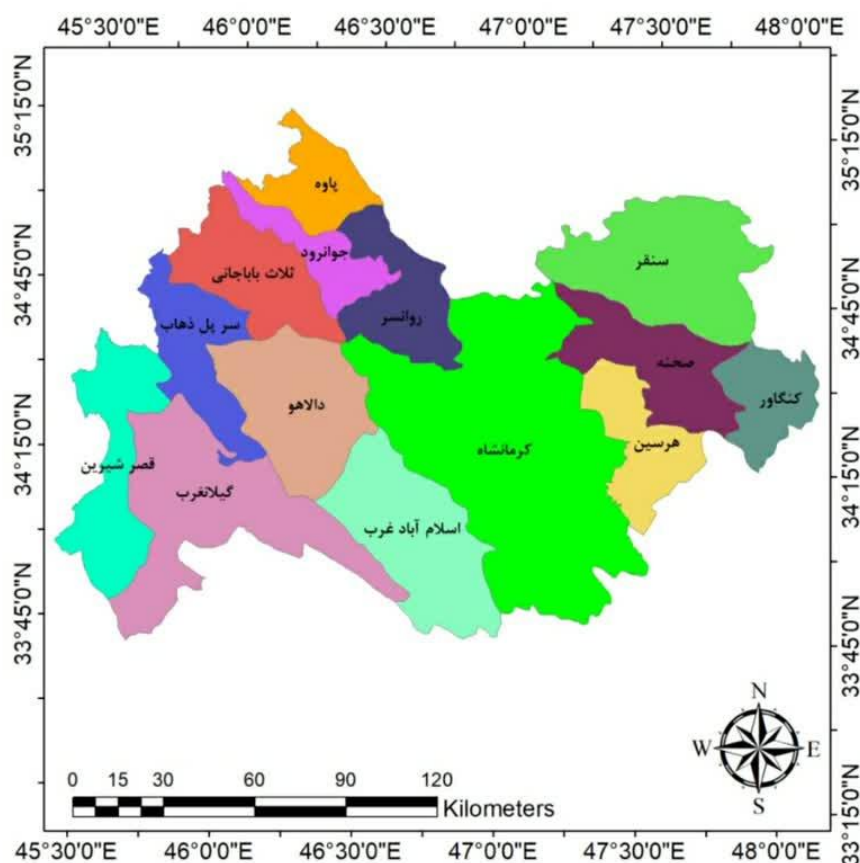
در شمال شهر کرمانشاه ارتفاعات پرآو با وسعتی قریب به ۲۰۰۰ کیلومتر مربع با شیب عمومی بیش از ۵۰٪ و بلندای بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. رود قرسو نیز با فاصله‌ای اندک از این ارتفاعات به مثابه یک سامانه زیست آبی جذاب و به عنوان عمل مهم در افزایش ضریب پایداری و ثبات این مرکز جمعیتی نقش دارد. در مجموع خواستگاه اولین شهر در کنار دشت وسیع پای کوه‌های سخت در کنار ساحل رود قره‌سو استقرار یافته و پذیرای شاهراه‌های ارتباطی ملی منطقه‌ای می‌باشد.

شهر فعلی کرمانشاه مساحتی در حدود ۸۷۹۶ هکتار دارد که با احتساب پادگان‌ها پالایشگاه و کارخانه‌های آن بالغ بر ۱۰۰۰۰ هکتار خواهد شد. هسته‌های نخستین شهر کرمانشاه بر فلات‌ها و تراس‌ها و فوقانی با شیب کلی ۲ تا ۵ درصد و شیب جانبی ۳ تا ۶ درصد خاک نیمه عمیق تا عمیق با بافت سنگین با محدوده‌هایی از قبیل پستی و بلندی وجود سنگریزه و قلوه سنگ سنگینی بافت خاک فرسایش آبی و با مرغوبیت پایین از لحاظ کشاورزی شکل گرفته است.

با گسترش تدریجی شهر به سوی شمال دست‌اندازی به دشت‌ها دامنه‌ای و حاصلخیز آغاز شد. گسترش ناموزون و بدون برنامه موجب شده که امروزه کرمانشاه شهری پراکنده با تکه دشت-هایی دامنه‌ای محصور در دیگر قسمت‌های شمالی باشد (سلطانی، ۱۳۸۰: ۲-۳).



شکل ۳-۱: نقشه‌ی موقعیت ایران در تقسیمات سیاسی کشور



شکل ۳-۲: نقشه‌ی موقعیت استان و شهر کرمانشاه در تقسیمات سیاسی کشور

۳-۱-۲ توپوگرافی شهر کرمانشاه

شهر کرمانشاه واقع در ناهمواری‌های پایکوهی است. مراد از ناهمواری‌های پایکوهی و یا دشت‌های پایکوهی زمین‌هایی است که بلافاصله در دامنه کوه‌ها قرار داشته و با شیب نسبتاً ملایمی از کوه‌ها فاصله می‌گیرند. رشته کوه‌های مرتفع، دشت‌های وسیع و تنگه‌های تشکیل شده در بین کوه‌ها، دره‌های عمیق در بستر رودخانه‌های جاری، ناهمواری‌های شهر کرمانشاه

را به وجود می‌آورند. کرمانشاهان منطقه‌ای است نیمه کوهستانی، که بین فلات ایران و جلگه میان رودان (بین‌النهرین) قرار دارد و ارتفاعات آن موازی با یکدیگر در جهت شمال غربی - جنوب شرقی کشیده شده‌اند.

۳-۱-۳ خصوصیات زمین‌شناسی شهر کرمانشاه

از نظر زمین‌شناسی منطقه غرب و جنوب غربی کوه‌های زاگرس طی دوران سوم زمین‌شناسی از آب بیرون آمده است. در طی دوران اول و دوم این منطقه به صورت ناودیسی با جهت شمال غربی - جنوب شرقی درآمده است که رسوبات این دو دوران در کف آن به جا مانده است. در اواخر دوم تحت عوامل کوه‌زایی به تدریج سلسله جبال زاگرس به وجود آمده است. این ناحیه دارای تشکیلاتی رورانده با گسل‌هایی بزرگ می‌باشد. این قسمت اغلب از طبقات کرتاسه و گاهی ژوراسیک و احتمالاً تریاس بوده و به علت جابه‌جا شدگی و روراندگی شناخت سن آن‌ها دشوار می‌باشد. سنگ‌های این قسمت بیشتر از شیل‌های سیاه‌رنگ است. رسوبات کرتاسه به خصوص کرتاسه بالایی از آهک‌های توده‌ای و مارنی و گاهی سیلیسی است. طبقات متناوبی از آهک و مارن همراه با خاکسترهای آتشفشانی دیده می‌شود و به علت کارستیک بودن آهک‌ها از نقطه نظر آب‌های اهمیت و ارزش فراوانی دارد. سنگ کف منطقه کرمانشاه رادیولاریتی بوده ولی در ماهیدشت قسمتی از سنگ کف از آهک تشکیل شده است. ضخامت آبرفت در شمال کرمانشاه ۲۵ تا ۴۰ متر و در نواحی دشت کرمانشاه کمتر از ۳۰ متر است. جنس آبرفت مجاور ارتفاعات از نوع واریزه بوده و دانه درشت می‌باشد. در ضمن جنس آبرفت در نواحی مجاور رودخانه مرگ و قره‌سو نیز دانه درشت بوده و از تخریب و تجزیه سنگ‌های آهکی تشکیل شده است.

۱-۳-۱ خاک‌شناسی شهر کرمانشاه

هسته‌های نخستین شهر کرمانشاه بر فلات‌ها و تراس‌های فوقانی شکل گرفته است. این اراضی با شیب کلی ۲ تا ۵ درصد و شیب جانبی ۳ تا ۶ درصد و خاک نیمه عمیق با بافت سنگین می‌باشد. در فلات‌ها اراضی درجه یک مرغوب وجود نداشته و دارای محدودیت‌هایی از قبیل پستی و بلندی، وجود سنگ‌ریزه و قلوه‌سنگ، سنگینی بافت خاک و فرسایش آبی می‌باشد. آن بخش از شهر که بر فلات‌ها و تراس‌های فوقانی گسترده شده است شامل بافت قدیم و اطراف آن است که هم اکنون جنوب شهر کرمانشاه را تشکیل می‌دهد. با گسترش تدریجی شهر به سوی شمال دست‌اندازی به دشت‌های دامنه‌ای آغاز شد. این دشت قبل از تعرض شهر به آن جزیی از دشت حاصلخیز و وسیع کرمانشاه بود که در نتیجه گسترش ناموزون شهر یکپارچگی آن از بین رفت به طوری که هم اکنون شمال شهر کرمانشاه محصور در بین دشت-های دامنه‌ای در شرق و غرب است و دشت‌های دامنه‌ای واقع در نیمه شمالی شرق شهر فاقد هرگونه پیوند با دشت‌های واقع در غرب شهر می‌باشند.

۲-۳-۱ زلزله‌خیزی شهر کرمانشاه

منطقه کرمانشاه در کمربند چین‌خورده و فعال زاگرس قرار دارد. در بررسی که از مناطق هم شدت زمین‌لرزه‌ای ایران انجام گرفته است شهر کرمانشاه از نظر زلزله‌خیزی بین قرن چهارم قبل از میلاد تا سال ۱۹۰۰ در خطوط هم‌لرزه ۵ درجه در مقیاس مرکالی قرار داشته که خسارات وارده در حد ایجاد شکاف جزیی تا عمیق برآورده گردیده است. در زمینه مطالعات مربوط به احتمال وقوع زمین‌لرزه در آینده با استفاده از نقشه ریسک زمین‌لرزه در ایران، شهر کرمانشاه در منطقه خسارت متوسط واقع شده است که در آن احتمال وقوع زمین‌لرزه‌هایی با شدت ۶ درجه مرکالی وجود دارد و در آبان‌ماه ۱۳۹۵ زلزله ۷/۳ ریشتری متاسفانه خسارت

زیادی به استان کرمانشاه و علی الخصوص شهرستان سرپل ذهاب وارد کرد اما شهر کرمانشاه خوشبختانه خسارت جانی نداشت.

۲-۳ خصوصیات کالبدی شهر

۱-۲-۳ نحوه استفاده از اراضی شهری

بر مبنای نتایج مطالعات کالبدی و محاسبات نقشه های وضع موجود شهر (برداشت وضع موجود در سال ۱۳۷۷ توسط مهندس مشاور و اصلاحات انجام شده در آن تا سال ۱۳۸۱) شهر کرمانشاه وسعتی معادل $9568/6$ هکتار دارد که از این مقدار سطحی معادل $6044/9$ هکتار (در حدود $63/2$ درصد) مربوط به کاربری های خالص شهری و سطحی معادل $3523/7$ هکتار (در حدود $36/8$ درصد) سهم سطوح ناخالص شهری است.

سطح کل کاربری مسکونی در شهر کرمانشاه $1914/5$ هکتار است. مساحت کاربری مسکونی $31/7$ درصد از سطح خالص شهر و $20/0$ درصد از سطح کل شهر را شامل می شود. سرانه مسکونی در شهر کرمانشاه $23/2$ مترمربع است. بالاترین سرانه مسکونی مربوط به پاره شهر ۲ ($36/9$ مترمربع) و کمترین آن مربوط به پاره شهر ۴ ($15/0$ مترمربع) است.

۲-۲-۳ عوامل عمده شکل دهنده بافت کالبدی شهر

عوامل عمده مؤثر در سازمان و بافت کالبدی شهر کرمانشاه به شرح زیر می باشند:

الف) گستردگی شهر

ب) عنصر طبیعی قره سو

ج) شبکه‌های شهری

د) توپوگرافی و عوارض طبیعی.

۳-۲-۳ تراکم خالص جمعیت و سرانه مسکونی در مناطق مختلف شهر

الف) تراکم در سطح شهر

ب) تراکم در سطح مناطق شهری.

۳-۲-۶ بررسی‌های شهری

۱-۶-۲-۳ بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مناطق حاشیه‌نشین

خودانگیخته

۱) جعفرآباد و ملاحسینی

جعفرآباد و ملاحسینی با وسعتی حدود ۱۲۸ هکتار در جنوب شرقی کرمانشاه، شناخته‌شده‌ترین ناحیه حاشیه‌نشین در شرق کرمانشاه است: بزرگی آن در حد یک ناحیه شهری بوده و دارای حدود کالبدی مشخصی است. ویژگی‌های عمده بافت این محله عبارت‌اند از: متراکم بودن بافت و کوچکی قطعات تفکیکی مسکونی، کمی عرض معابر و کوچه‌ها و طولانی‌بودن آن‌ها، عدم وجود سلسله مراتب شبکه‌ای و فقدان معابر جمع‌کننده در سطح بافت، کمبود شدید خدمات و تأسیسات مورد نیاز بافت مسکونی و فقدان زمین خالی برای اختصاص به بافت خدماتی، کمبود خدمات و تأسیسات شهری و فقدان مرکز ناحیه و مراکز محله‌ای و عرض کم معابر که موجب شده جعفرآباد هویت شهری لازم را برای ایفای نقش یک ناحیه شهری نداشته باشد (مهندسان مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۲: ۵۳). از لحاظ قومی، ساکنان اصلی این محله را قوم لک تشکیل می‌دهد و از این نظر یکی از همگن‌ترین محلات شهر کرمانشاه است. این

عامل باعث جدایی‌گزینی شدیدی در این محله شده است، به گونه‌ای که اعضاء سایر گروه‌های قومی تمایل زیادی به سکونت در این محله نداشته و خود ساکنین این محله نیز با توجه به جدایی محله از بافت اصلی شهر، تماس اجتماعی چندانی با دیگر گروه‌های اجتماعی ساکن شهر ندارند. عواملی چون بیکاری، فقر، نداشتن مسکن استاندارد، قرار گرفتن در انزوای اجتماعی، عدم تعلق خاطر و وابستگی به ارزش‌ها در مناطق حاشیه‌نشین کرمانشاه باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و گسترش آسیب‌های شهری در مناطق حاشیه‌نشین شده است و می‌توان گفت مناطق حاشیه‌نشین علاوه بر ایجاد چهره و سیمای نامناسبی از شهر زمینه‌های گسترش بزهکاری و بروز جرایم اجتماعی را فراهم کرده‌اند (قلی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۴۰).





۲) دولت آباد

دولت آباد در جنوب غربی کرمانشاه واقع شده که از شمال به زمین های بایر و کارگاه چوب فروش ها، از جنوب به بلوار شهید باهنر (بلوار دولت آباد) و شرکت های متعدد تولیدی و زمین های کشاورزی وسیع، از شرق به خیابان علافان و بیمارستان فارابی، از جنوب شرق به شهرک جلالیه (دانشکده بهداشت و پیراپزشکی و از غرب نیز به شهرک اسلامی و شهرک مهدیه (دره دراز) و زمین های کشاورزی و بایر منتهی می شود، دولت آباد دارای ۵ خیابان اصلی

به نام های ۴۵ متری علافان، بلوار شهید باهنر (دولت آباد)، بلوار ۴۰ متری شهدا، ۴۵ متری طالقانی، بلوار امام و دارای شش خیابان فرعی با نام های (بیست متری، ده متری، بیست متری حشمتی، شرکت، ده متری قربانی و هلال احمر). زبان اکثر افراد محله کردی با گویش سورانی، اورامی و کلهری است. قومیت اکثر افراد این محله کرد می باشد.





۳) دره‌دراز (شهرک مهدیه)

دره‌دراز (شهرک مهدیه) در جنوب غربی کرمانشاه واقع شده که از شمال به جاده سراب نیلوفر، از شمال شرقی به شهرک اسلامی، از جنوب و شرق به زمین‌های کشاورزی و تپه‌ها، از جنوب شرقی به شهرک امام خمینی و از جهت غرب انتهای تمامی کوچه‌ها به بیابان و زمین‌های خالی از سکنه و از بر جاده سراب نیلوفر به روستای سیاه کمر می‌رسد. زبان این محله، زبان کردی با گویش‌های کلهر و سورانی می‌باشد و کردهای این محله غالباً کردهای ایل قلخانی می‌باشند که از روستای دوشمیان، آئین‌وند، قلعه زنجیر، بخش کوزران، گهواره و ... به این محله مهاجرت کرده‌اند و گروه قلیلی از کردهای این محل از روستای زاوله و روانسر

هستند و از ایل سنجابی هم افرادی در این محل سکونت دارند. قومیت اکثر افراد محله کرد می باشند.





۴) حکمت آباد (فجر)

شهرک حکمت آباد (فجر) در شمال کرمانشاه واقع شده که از سمت شرق به بلوار وحدت (تعاون) و رودکی، از جنوب به آبشوران (شهرک وحدت ۱)، از سمت غرب به بلوار شهید شمشادیان و از سمت شمال به بلوار ۴۵ متری رودکی و شهرک معلم ختم می شود. زبان کردی (با گویش های اورامی، سورانی و کرمانشاهی)، گویش لکی، تعداد محدودی لری و گویش مخصوص کولی ها در این منطقه رواج دارد. با توجه به بودن اقوام مختلف در این شهرک می توان گفت که حوالی مسجد امام محمد غزالی بیشتر با گویش های اورامی و سورانی تکلم می کنند، گویش لکی با توجه به زیاد بودن قوم پایروند در این منطقه دیده می شود و عمده

جمعیت شهرک که در ابتدای خیابان دوم، سوم و اول که کولی‌نشین‌ها هستند و با گویش مخصوص خودشان تکلم می‌کنند. قومیت افراد محله کرد، لک و تعدادی هم لر و کولی هستند.



۵) شاطرآباد (شهید)

شاطرآباد (شهید) از شمال به دیوار جنوبی قرارگاه ارتش، از جنوب به خیابان شهید امجدیان (سیلو)، از شرق به کمربندی شرقی و از غرب نیز به خیابان تاریکه منتهی می‌شود. اکثر افراد محله به زبان کردی با گویش کرمانشاهی و به صورت محدودی هم با گویش سورانی تکلم می‌کنند. اکثریت قریب به اتفاق قومیت افراد محله کرد می‌باشد، اما لازم به ذکر است که اکثریت این افراد از شهر سنقر و روستاهای اطراف آن و اقلیت محدودی هم از شهرهای کامیاران، سنندج و ... به این محله مهاجرت کرده‌اند. با این که با مرکز شهر و میدان آزادی فاصله زیادی ندارد به طور کلی تمامی محله دارای بافت حاشیه‌نشین است اما در قسمت شرقی آن علی‌الخصوص کوچه‌هایی که به بزرگراه ارتش ختم می‌شوند حاشیه‌نشینی بیشتر نمایان است.





۶) آناهیتا (شهرک شهید باهنر)

آناهیتا (شهرک شهید باهنر)، از نظر جغرافیایی در شمال غربی کرمانشاه واقع شده از شمال به زمین‌های پایر و کوه‌ها، از سمت جنوب به جاده سندج کرمانشاه، از شرق به شهرک معلم و از غرب نیز به شهرک آزمایش منتهی می‌شود. زبان و گویش این محله، زبان کردی با گویش کرمانشاهی و سورانی می‌باشد. قومیت افراد محله کرد می‌باشد. اکثریت قریب به اتفاق اهالی محله اهل حق هستند و دارای اقلیت مذهبی اهل تسنن و اهل تشیع می‌باشد.





• ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

در طرح ارزیابی اجتماعی اثربخشی برنامه بهسازی شهری در شهر کرمانشاه (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴) که از میان مناطق سیزده گانه حاشیه‌نشین، سه محله از سه گروه نوعی، دولت آباد (از نوع درجه یک یا وضعیت نسبتاً بهتر)، شهید (از نوع درجه دو یا وضعیت متوسط) و جعفرآباد (از نوع درجه ۳، یا وضعیت بد) انتخاب شده بودند. ویژگی‌های این سه منطقه به شرح زیر استخراج گردید:

- ۱) از نظر جمعیت‌شناختی ۷۰ درصد جمعیت در گروه سنی ۲۴-۱۵ قرار داشته‌اند. ۷۸/۸ درصد مسلمان شیعه بوده‌اند. بعد خانوار ۵/۱ است. مهاجرت با خانواده و جهت یافت کردن مهم‌ترین دلیل مهاجرت (۷۶ درصد) اعلام شده است. ۷۷ درصد ساکنان

باسواد بوده اند اما این درصد کمتر از میانگین کل شهر است (۸۳ درصد باسواد). بی سوادی پدرها ۹۳ درصد و مادرها ۹۷ درصد به دست آمده است. ۵۰ درصد مسکن زیر ۱۰۰ متر داشته اند. خانه ها فاقد استاندارد هستند. تراکم جمعیت به خاطر مهاجرپذیری و تمایل فرهنگی گروه های برخوردارتر برای ماندن در محله است.

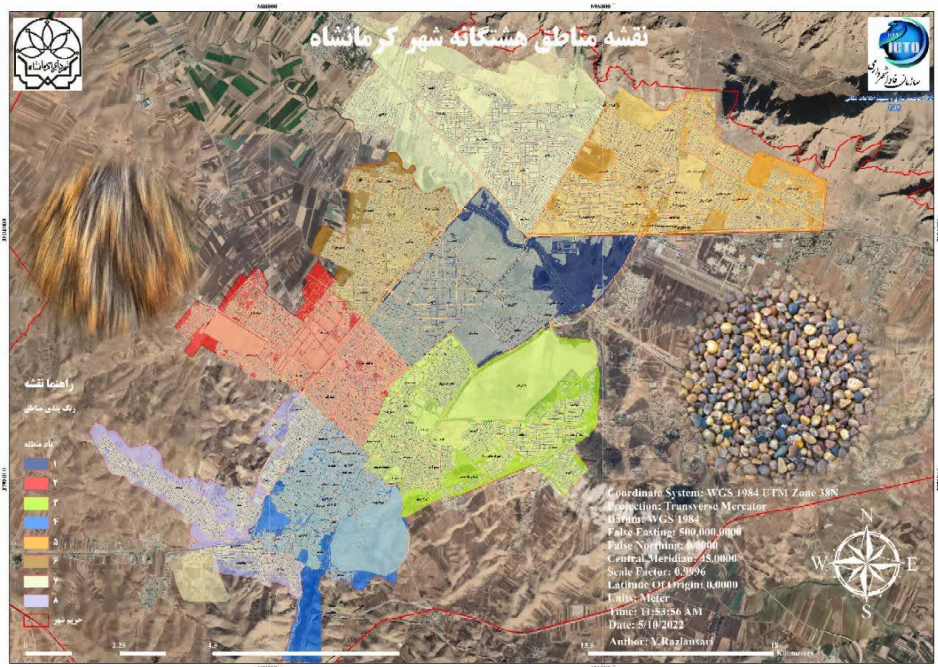
۲) از نظر فعالیت اقتصادی بیش از ۶۹ درصد بیکار بوده اند. جوانان در دولت آباد به فعالیت های فنی و تعمیراتی، در شهید و دولت آباد به کار در میدان میوه، تره بار و دست فروشی روی می آورند. ۸۵ درصد گفته اند فرصتی برای ترقی اقتصادی وجود ندارد. زمینه فعالیت های مربوط به صنایع دستی فراهم است.

۳) از نظر خدمات، ۹۸ درصد به آب لوله کشی دسترسی دارند، اما وضعیت فاضلاب نامطلوب و مشکلات بهداشتی زیادی ایجاد کرده است. دسترسی به شبکه برق وجود دارد اما معابر روشنایی مناسب ندارند. پارک، اماکن ورزشی وجود ندارد. در مجموع ۹۲/۳ درصد از سطح خدمات کاملاً ناراضی بوده اند.

۴) از نظر اجتماعی و فرهنگی، ۸۱/۹ درصد به زبان کردی کرمانشاهی صحبت می کنند. عمدتاً خواستگاه فرهنگی روستایی دارند. به رغم تنوع مذهبی در دولت آباد، مشکل مذهبی گزارش نشده است. مهاجرت به این شهرک ها تابع موقعیت جغرافیایی و فرهنگی شهرک ها است. از نظر اقتصادی تفاوت سطح وجود دارد. تعارض فرهنگی درون محله کم اما با بیرون از محله زیاد است. تا حدی تفاوت نسلی دیده شده است. مشکل های دولتی در این سه محله فعال نیستند. از نظر ۳۲ درصد مردم میزان جرم در دو سال ماقبل تحقیق (۸۳ و ۸۲) روند کاهشی داشته است.

ایراندوست و صرافی (۱۳۸۶)، ویژگی های سه محله (دولت آباد، شهید و جعفرآباد) را به شرح زیر برشمرده اند:

- ۱) سکونت گاه ها از نظر جنسی و بعد خانوار با هم متفاوتند.
- ۲) هر سه سکونت گاه ساختار سنی جوان دارند.
- ۳) سطح سواد و تحصیلات در آن ها متفاوت است.
- ۴) بیکاری در هر سه سکونت گاه وجود دارد.
- ۵) هر سه محله از نامطلوبیت محیط و کمبود زیرساخت ها رنج می برند.
- ۶) آسیب پذیری و فقر وجه مشترک بسیاری از خانواده ها است.



شکل ۳-۳: نقشه‌ی مربوط به مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه

۲-۶-۲-۳ بررسی های ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مسکن مهر دولت آباد

مسکن مهر شهرک دولت آباد شهر کرمانشاه تحت عنوان مجتمع ۵۰۰۰ واحدی دولت مهر است که بزرگترین مجموعه مسکن مهر در استان کرمانشاه می باشد. تا پایان سال ۱۳۹۳ حدود ۳۵۳۵ واحد مسکونی از این مجتمع واگذار گردیده است که ۱۱۰۰ واحد آن در اختیار کارمندان سازمان بهزیستی قرار گرفته و مابقی به صورت آزاد بوده است. از نقاط قوت این مجموعه در نگاه اول می توان به استقرار آن در منطقه ای خوش آب و هوا، وسعت زمین و پتانسیل گسترش فضای سبز، معابر عریض و همچنین سکوت حاکم بر منطقه اشاره نمود. از سوی دیگر باید عدم توجه به مسائل فرهنگی در مکان یابی سایت با توجه به شرایط متفاوت متقاضیان مسکن مهر، یکنواختی الگوی طراحی و ساخت، شتابزدگی اجرایی و در نتیجه کیفیت پایین ساخت و ساز و در نهایت کمبود خدمات روبنایی را به عنوان مهم ترین نقاط ضعف آن برشمرد (زهره و رضایی، ۱۳۹۹: ۱۱).



شکل ۳-۴: نقشه ی مربوط به موقعیت مکانی مسکن مهر دولت آباد شهر کرمانشاه

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده و جداسازی پرسشنامه‌های ناقص با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و استفاده از آزمون‌های آماری مانند آزمون معنی‌داری تی استودنت و آزمون لون برای برابری واریانس‌ها به آزمودن فرضیه‌های پژوهش اقدام گردید. بر این اساس ابتدا توصیف آماری متغیرهای پژوهش و سپس توصیف استنباطی آن‌ها ارائه می‌گردد.

۴-۱- تحلیل توصیفی داده‌های مربوط به جمعیت‌شناختی پژوهش

یافته‌های حاصل از تحلیل داده با توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان (جنسیت، تأهل، سن، رشته تحصیلی میزان تحصیلات و شغل) که حاصل از پرسش‌های رسمی داخل پرسشنامه و یا اطلاعات ثبت شده غیررسمی هنگام ردوبدل نمودن پرسشنامه‌ها می‌باشد در جدول شماره ۴-۱، آمده است.

جدول ۴-۱: آمار توصیفی مربوط به جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

درصد	فراوانی	ویژگی‌های شرکت‌کنندگان	
۵۱٪	۶۹	زن	جنسیت
۴۲٪	۵۷	مرد	
۷٪	۸	نامشخص	
۳۰٪	۴۰	مجرد	تأهل

فصلنامه رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی / ۴۷۰

متاهل	۶۱	٪۴۵	
نامشخص	۳۴	٪۲۵	
کمتر از ۱۸ سال	۱۹	٪۱۳	سن
بین ۱۸ تا ۳۰ سال	۳۰	٪۲۳	
بیشتر از ۳۰ سال	۸۵	٪۶۴	

ادامه جدول ۴-۱: آمار توصیفی مربوط به جمعیت شناختی نمونه پژوهش

ویژگی های شرکت کنندگان	فراوانی	درصد	رشته تحصیلی
زیر دیپلم	۹	٪۶	
دیپلم	۲۰	٪۱۵	
علوم تربیتی	۲۴	٪۱۸	
علوم اجتماعی	۱۵	٪۱۱	
مدیریت بازرگانی	۱۵	٪۱۰	
علوم پایه	۱۹	٪۱۴	
مشاوره	۷	٪۵	

روان شناسی	۱۱	٪۸
سایر	۶	٪۵
نامشخص	۵	٪۴
دیپلم و فوق دیپلم	۴۴	٪۳۳
لیسانس	۶۱	٪۵۲
فوق لیسانس	۲۴	٪۱۲
دکتری	۵	٪۳
بیکار	۳۰	٪۲۴
تاکسی و اسنپ	۱۴	٪۱۰
آزاد	۳۳	٪۲۶
خدماتی	۱۴	٪۱۱
معلم	۱۳	٪۱۱
کارمند	۸	٪۶
نامشخص	۱۶	٪۱۲

بر اساس جدول شماره ۴-۱، درصد پاسخ‌دهندگان زن از مردان بیشتر بوده است و بیشتر از دوسوم شرکت‌کنندگان در پژوهش دارای مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم هستند. در بخش رشته تحصیلی بیشتر شرکت‌کنندگان دارای رشته تحصیلی مرتبط با علوم آموزش مانند علوم تربیتی و اجتماعی هستند از نظر درصد برگشت پرسشنامه‌ها پرسشنامه‌های بخش مسکن مهر دارای نرخ برگشت ۹۰ درصد و محلات حاشیه‌نشین با نرخ برگشت ۷۸ درصد علی‌رغم پیگیری‌های متعدد پژوهشگر، نرخ برگشت کمتری از پرسشنامه‌ها را به خود اختصاص دادند.

۲-۴ توصیف آماری متغیرهای پژوهش

۱-۲-۴ مشارکت پاسخ‌گویان

نتایج تحلیل داده حاصل از نمونه پژوهش در بخش مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته که در جدول ۴-۲، آمده است نشان می‌دهد که ۷/۷ درصد پاسخ‌گویان حاشیه‌نشین خودانگیخته بیان نموده‌اند که مشارکت اجتماعی خیلی پایین است. ۳۰/۴ درصد نیز بیان نموده‌اند که مشارکت آن‌ها کم می‌باشد. ۳۶/۵ درصد یعنی بیش از یک سوم پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که مشارکت آن‌ها در حد متوسط است. ۲۳/۵ درصد پاسخ‌گویان نیز ابراز نمودند که مشارکت آن‌ها بالا و تنها ۲/۴ درصد بیان نموده‌اند مشارکت اجتماعی خیلی بالایی دارند. میانگین مشارکت اجتماعی افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر ۲/۷۹ بوده است. در مجموع می‌توان گفت که مشارکت افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته پایین‌تر از حد متوسط بوده است.

در بخش نمونه پژوهش ساکن در مسکن مهر، همچنان که در جدول ۴-۲، آمده است تنها ۲/۹ درصد پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که مشارکت اجتماعی افراد ساکن در مسکن مهر کرمانشاه خیلی پایین است و یا این که اصلاً مشارکتی ندارند. ۸/۳ درصد نیز بیان نموده‌اند که مشارکت

آن‌ها کم می‌باشد. ۵۲/۷ درصد یعنی بیش از نیمی از افراد ساکن در مسکن مهر بیان نموده‌اند که مشارکت آن‌ها در حد متوسط است. ۳۱/۹ درصد پاسخ‌گویان نیز ابراز نمودند که مشارکت آن‌ها بالا و تنها ۴/۲ درصد بیان نموده‌اند مشارکت خیلی بالایی دارند. میانگین مشارکت افراد ساکن در مسکن مهر هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر ۳/۰۷ بوده است. در مجموع می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی افراد متوسط به بالا بوده است.

جدول ۴-۲: مشارکت اجتماعی میان افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته و افراد ساکن مسکن مهر

افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۲۹	۱۱۴	۱۳۷	۸۸	۹	۲/۷۹
	درصد	۷/۷	۳۰/۴	۳۶/۵	۲۳/۵	۲/۴	
افراد ساکن در مسکن مهر		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۱۰	۳۱	۲۰۱	۱۲۲	۱۵	۳/۰۷
	درصد	۲/۹	۸/۳	۵۲/۷	۳۱/۹	۴/۲	

۲-۲-۴ روابط متقابل پاسخ گویان

همچنان که در جدول ۴-۳، آمده است ۳/۴ درصد پاسخ گویان حاشیه نشین خودانگیخته بیان نموده اند که روابط متقابل آن ها خیلی پایین است. ۲۹/۹ درصد نیز بیان نموده اند که روابط متقابل آن ها کم می باشد. ۲۲/۴ درصد پاسخ گویان بیان نموده اند که روابط متقابل آن ها در حد متوسط است. ۳۷/۶ درصد پاسخ گویان نیز ابراز نمودند که روابط متقابل آن ها بالا و ۵/۳ درصد بیان نموده اند روابط متقابل خیلی بالایی دارند. میانگین روابط متقابل افراد حاشیه نشین خودانگیخته هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر ۳/۱۱ بوده است. در مجموع می توان گفت که روابط متقابل افراد حاشیه نشین خودانگیخته بالا بوده است.

در بخش نمونه پژوهش ساکن در مسکن مهر، همچنان که در جدول ۴-۳، آمده است تنها ۸/۸ درصد پاسخ گویان بیان نموده اند که روابط متقابل افراد ساکن در مسکن مهر کرمانشاه خیلی پایین است. ۲۸/۶ درصد یعنی بیش از یک چهارم افراد ساکن در مسکن مهر نیز بیان نموده اند که روابط متقابل آن ها کم می باشد. ۳۵/۱ درصد یعنی بیش از یک سوم از افراد ساکن در مسکن مهر بیان نموده اند که روابط متقابل آن ها در حد متوسط است. ۲۰/۴ درصد پاسخ گویان نیز ابراز نمودند که روابط متقابل آن ها بالا و تنها ۷/۲ درصد بیان نموده اند روابط متقابل خیلی بالایی دارند. میانگین روابط متقابل افراد ساکن در مسکن مهر هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر ۲/۷۶ بوده است. در مجموع می توان گفت که روابط متقابل افراد پایین بوده است.

جدول ۴-۳: روابط متقابل میان افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته و ساکن در

مسکن مهر

افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته		خیلی کم	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۱۶	۱۱۲	۸۴	۱۴۱	۲۰	۳/۱۱
	درصد	۳/۴	۲۹/۹	۲۲/۴	۳۷/۶	۵/۳	
افراد ساکن در مسکن مهر		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۳۳	۱۰۸	۱۳۲	۷۷	۲۷	۲/۷۶
	درصد	۸/۸	۲۸/۶	۳۵/۱	۲۰/۴	۷/۲	

۴-۲-۳ رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی

با توجه به آنچه که در جدول ۴-۴، آمده است ۱۲/۲ درصد افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته بیان نموده‌اند که اصلاً هنجارهای اجتماعی را رعایت نمی‌کنند و یا این که میزان رعایت آن‌ها خیلی کم است. ۲۰/۵ درصد نیز بیان نموده‌اند که میزان رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در میان آن‌ها کم است و ۴۰/۵ درصد هم میزان رعایت ارزش‌های اجتماعی در محله خود را

در حد متوسط ارزیابی نموده‌اند. ۱۵/۸ درصد بیان نموده‌اند که میزان رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان آن‌ها بالا است و ۱۰/۹ درصد نیز اظهار داشته‌اند که میزان رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آن‌ها خیلی زیاد است و به شدت به آن‌ها پایبند هستند. میانگین رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته در مقیاس ۱ تا ۵ نیز برابر ۲۲/۶ بوده است که از میانگین پایین‌تر است. در مجموع می‌توان گفت که میزان رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد.

در بخش نمونه پژوهش ساکن در مسکن مهر، همچنان که در جدول ۴-۴، آمده است تنها ۱/۳ درصد افراد ساکن در مسکن مهر رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را در میان خود خیلی ضعیف ارزیابی نموده‌اند و در واقع بیان نموده‌اند که در این زمینه خیلی ضعیف هستند. ۷/۳ درصد هم آن را ضعیف ارزیابی کرده‌اند. ۴۱/۳ درصد پاسخ‌گویان هم بیان نموده‌اند که رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در محله آن‌ها در حد متوسط بوده است. ۴۱/۸ درصد پاسخ‌گویان هم معتقد بودند که رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان ساکنین محله مسکن مهر زیاد است. ۸/۳ درصد هم بیان نموده‌اند که رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان آن‌ها خیلی بالا است. میانگین رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان ساکنین مسکن مهر هم ۳/۴۹ بوده است که بالاتر از میانگین می‌باشد. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی ساکنان مسکن مهر بالا بوده است و در این زمینه خود را مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۴-۴: رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی میان افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته و افراد ساکن در مسکن مهر

افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۴۶	۷۸	۱۵۵	۶۱	۴۰	۲/۶۶
	درصد	۱۲/۲	۲۰/۵	۴۰/۵	۱۵/۸	۱۰/۹	
افراد ساکن در مسکن مهر							
	تعداد	۱	۲۶	۱۵۶	۱۵۹	۳۰	۳/۴۹
	درصد	۱/۳	۷/۳	۴۱/۳	۴۱/۸	۸/۳	

۴-۲-۴ اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان

همچنان که در جدول ۴-۵، آمده است ۲/۱ درصد افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته بیان نموده‌اند که اصلاً به کسی اعتماد ندارند و اعتماد اجتماعی آن‌ها خیلی پایین است. ۱۳ درصد هم بیان نموده‌اند که میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها کم است. ۴۷/۳ درصد یعنی نزدیک به نیمی از آن‌ها هم بیان نموده‌اند که اعتماد اجتماعی آن‌ها در حد متوسط است و ۳۰/۶ درصد نیز بیان نموده‌اند که اعتماد اجتماعی آن‌ها بالا است و تنها ۷ درصد میزان اعتماد اجتماعی خود را خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. میانگین اعتماد اجتماعی در میان افراد حاشیه‌نشین خودانگیخته هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر عدد ۲/۷۳ بوده است که پایین‌تر از حد متوسط جامعه می‌باشد. بنابراین

در مجموع می توان گفت که میزان اعتماد اجتماعی در میان افراد حاشیه نشین خودانگیخته نسبتاً پایین بوده است.

در بخش نمونه پژوهش ساکن در مسکن مهر، همچنان که در جدول ۴-۵، آمده است تنها ۳/۵ درصد افراد ساکن در مسکن مهر بیان نموده اند که اصلاً به کسی اعتماد ندارند و اعتماد اجتماعی آن ها خیلی پایین است. ۱۰/۴ درصد هم بیان نموده اند که میزان اعتماد اجتماعی آن ها کم است. ۳۳/۹ درصد هم بیان نموده اند که اعتماد اجتماعی آن ها در حد متوسط است و ۲۸ درصد نیز بیان نموده اند که اعتماد اجتماعی آن ها بالا است و ۲۴/۸ درصد میزان اعتماد اجتماعی خود را خیلی زیاد ارزیابی کرده اند. میانگین اعتماد اجتماعی در میان افراد ساکن در مسکن مهر هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر عدد ۳/۳۱ بوده است که بالاتر تر از حد متوسط جامعه می باشد. بنابراین در مجموع می توان گفت که میزان اعتماد اجتماعی در میان افراد ساکن در مسکن مهر بالاتر از حد متوسط بوده است.

جدول ۴-۵: اعتماد اجتماعی میان افراد حاشیه نشین خودانگیخته و افراد ساکن در مسکن مهر

افراد حاشیه نشین خودانگیخته		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۸	۵۰	۱۸۲	۱۱۸	۲۷	۲/۷۳
	درصد	۲/۱	۱۳/۰	۴۷/۳	۳۰/۶	۷/۰	

افراد ساکن در مسکن مهر		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۱۳	۳۹	۱۲۷	۱۰۵	۹۳	۳/۳۱
	درصد	۳/۵	۱۰/۴	۳۳/۹	۲۸/۰	۲۴/۸	

۵-۲-۴ حمایت اجتماعی پاسخ گویان

همچنان که در جدول ۴-۶، آمده است ۹ درصد افراد حاشیه نشین خودانگیخته بیان نموده اند که میزان حمایت اجتماعی آن ها خیلی کم بوده است. ۲۴/۹ درصد هم میزان حمایت اجتماعی خود را کم ارزیابی کرده اند. ۴۴/۴ درصد نیز اظهار نموده اند که میزان حمایت اجتماعی آن ها در حد متوسطی می باشند. ۲۵/۷ درصد هم بیان نموده اند که حمایت اجتماعی آن ها بالا است. و تنها ۳/۶ درصد بیان نموده اند که حمایت اجتماعی آن ها خیلی بالا است. میانگین نمره حمایت اجتماعی افراد حاشیه نشین خودانگیخته هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر عدد ۲/۹۷ بوده است که تقریباً برابر حد متوسط جامعه بوده است. پس در مجموع می توان گفت که میزان حمایت اجتماعی افراد حاشیه نشین خودانگیخته در حد متوسطی می باشد و از این نظر با حد متوسط جامعه برابر بوده اند.

در بخش نمونه پژوهش ساکن در مسکن مهر، همچنان که در جدول ۴-۶، آمده است تنها ۶/۱۹ درصد افراد ساکن در مسکن مهر بیان نموده اند که میزان حمایت اجتماعی آن ها خیلی کم بوده است. ۱۱/۲ درصد هم میزان حمایت اجتماعی خود را کم ارزیابی کرده اند. ۳۵/۷ درصد نیز اظهار نموده اند که میزان حمایت اجتماعی آن ها در حد متوسطی می باشند. ۲۸/۳ درصد هم بیان نموده اند که حمایت اجتماعی آن ها بالا است. و ۱۷/۷ درصد بیان نموده اند که

حمایت اجتماعی آن ها خیلی بالا است. میانگین نمره حمایت اجتماعی افراد ساکن در مسکن مهر هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر عدد ۳/۲۷ بوده است که از حد متوسط جامعه بالاتر بوده است. پس در مجموع می توان گفت که میزان حمایت اجتماعی افراد ساکن در محله مسکن مهر بالاتر از حد متوسط می باشد.

جدول ۴-۶: حمایت اجتماعی میان افراد حاشیه نشین خودانگیخته و افراد

ساکن در مسکن مهر

افراد حاشیه نشین خودانگیخته		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۳۶	۶۳	۱۹۶	۹۷	۱۳	۲/۹۷
	درصد	۹/۶	۲۴/۹	۴۴/۴	۲۵/۷	۳/۶	
افراد ساکن در مسکن مهر		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۲۶	۴۲	۱۳۴	۱۰۶	۶۷	۳/۲۷
	درصد	۶/۹	۱۱/۲	۳۵/۷	۲۸/۳	۱۷/۷	

۶-۲-۴ سرمایه اجتماعی پاسخ گویان

همچنان که در جدول ۴-۷، آمده است ۸/ درصد افراد حاشیه نشین خودانگیخته بیان نموده‌اند که سرمایه اجتماعی آن‌ها خیلی کم بوده است. ۱۶/۱ درصد هم میزان سرمایه اجتماعی خود را کم ارزیابی کرده‌اند. ۳۹/۴ درصد نیز اظهار نموده‌اند که میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها در حد متوسطی می‌باشد. ۲۸/۶ درصد هم بیان نموده‌اند که سرمایه اجتماعی آن‌ها بالا است و ۷/۱ درصد بیان نموده‌اند که سرمایه اجتماعی آن‌ها خیلی بالا است. میانگین نمره سرمایه اجتماعی افراد حاشیه نشین خودانگیخته هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر عدد ۳/۰۴ بوده است که تقریباً برابر حد متوسط جامعه بوده است. پس در مجموع می‌توان گفت که میزان سرمایه اجتماعی افراد حاشیه نشین خودانگیخته در حد متوسطی می‌باشد و از این نظر با حد متوسط جامعه برابر بوده‌اند.

از نظر سرمایه اجتماعی ۶/۴ درصد افراد ساکن در مسکن مهر بیان نموده‌اند که میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها خیلی کم بوده است. ۱۳/۱ درصد هم میزان سرمایه اجتماعی خود را کم ارزیابی کرده‌اند. ۳۴/۷ درصد نیز اظهار نموده‌اند که میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها در حد متوسطی می‌باشد. ۳۱/۲ درصد هم بیان نموده‌اند که سرمایه اجتماعی آن‌ها بالا است و ۱۴/۷ درصد بیان نموده‌اند که سرمایه اجتماعی آن‌ها خیلی بالا است. میانگین نمره سرمایه اجتماعی افراد ساکن در مسکن مهر هم در مقیاس ۱ تا ۵، برابر عدد ۳/۲۹ بوده است که از حد متوسط جامعه بالاتر بوده است. پس در مجموع می‌توان گفت که میزان سرمایه اجتماعی افراد ساکن در محله مسکن مهر بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

جدول ۴-۷: سرمایه اجتماعی میان افراد حاشیه نشین خودانگیخته و افراد ساکن در مسکن مهر

افراد حاشیه نشین خودانگیخته		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۳۳	۶۱	۱۴۹	۱۰۸	۲۷	۳/۰۴
	درصد	۸/۷	۱۶/۱	۳۹/۴	۲۸/۶	۷/۱	
افراد ساکن در مسکن مهر		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	تعداد	۲۴	۴۹	۱۳۰	۱۱۷	۵۵	۳/۲۹
	درصد	۶/۴	۱۳/۱	۳۴/۷	۳۱/۲	۱۴/۷	

۳-۴ آمار استنباطی

۱-۳-۴ آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کلموگروف - اسمیرنف استفاده شده است. با توجه به این که سطح خطا در همه متغیرها از ۵ درصد بزرگتر است می توان گفت که توزیع متغیرها نرمال بوده است و متغیرهای پژوهش از منحنی توزیع نرمال تبعیت می کنند.

جدول ۴-۸: آزمون نرمال بودن متغیرها

متغیرها	آزمون کلموگروف - اسمیرنف	تعداد افراد	سطح معنی داری
مشارکت اجتماعی	۰/۹۸	۷۵۳	۰/۳۲۷
روابط متقابل	۰/۹۴	۷۵۳	۰/۳۵۷
رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی	۱/۱۸	۷۵۳	۰/۰۹۵
اعتماد اجتماعی	۱/۲۶	۷۵۳	۰/۰۸۳
حمایت اجتماعی	۰/۸۶	۷۵۳	۰/۴۰۳
سرمایه اجتماعی (کل)	۱/۰۶	۷۵۳	۰/۱۲۸

۲-۳-۴ تحلیل سؤال‌های پژوهش

سؤال اول: مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه از نظر شاخص‌های

سرمایه اجتماعی در چه وضعیتی قرار دارد؟

با توجه به این که گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت و در مقیاس ۱ تا ۵ اندازه‌گیری شده‌اند. در اینجا میانگین فرضی جامعه عدد ۳ در نظر گرفته شده است. برای بررسی میزان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته از آزمون T تک گروهی استفاده شده است. همچنان که در جدول ۴-۹، آمده است میانگین مشارکت اجتماعی افراد ساکن در منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته برابر ۲/۷۹ و مقدار آزمون T آن برابر ۸/۱۳ می‌باشد که در سطح یک درصد خطا معنی‌دار است. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی شهروندان ساکن در منطقه حاشیه‌نشین کرمانشاه به‌صورت معنی‌داری از حد متوسط پایین‌تر بوده است و اظهار داشته‌اند که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت آن‌چنانی ندارند. میانگین روابط متقابل با دیگر افراد جامعه در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته هم برابر ۳/۱۱ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۳/۵۶ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که روابط متقابل ساکنان منطقه حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه به‌صورت معنی‌دار از میانگین بالاتر بوده است و پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که روابط زیاد و عمیقی با دیگر افراد دارند.

همچنین میانگین رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته برابر ۲/۶۶ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۱۱/۵۱ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه به‌صورت معنی‌دار از

میانگین جامعه پایین تر بوده است. به عبارت دیگر پاسخ گویان اظهار داشته اند که هنجارهای اجتماعی را رعایت نمی کنند و به ارزش های اجتماعی پایبندی ندارند. میانگین اعتماد اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته هم برابر $2/73$ و مقدار آزمون T آن نیز برابر $9/98$ بوده است که در سطح 1 درصد خطا معنی دار می باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان گفت که اعتماد اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه نشین شهر کرمانشاه به صورت معنی دار از میانگین پایین تر بوده است و پاسخ گویان بیان نموده اند که به افراد جامعه خود اعتماد ندارند. میانگین حمایت اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته هم برابر $2/97$ و مقدار آزمون T آن نیز برابر $0/98$ بوده است که مقدار خطای آن برابر $0/421$ می باشد. با توجه به این که مقدار خطا از 5 صدم بیشتر است بنابراین می توان گفت که حمایت اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته در حد متوسطی بوده است و با میانگین جامعه تفاوت معنی داری نداشته است.

میانگین سرمایه اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته هم برابر $3/04$ و مقدار آزمون T آن نیز برابر $1/03$ بوده است که مقدار خطای آن برابر $0/387$ می باشد. بنابراین می توان که میزان سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته در حد متوسطی بوده است و با میانگین تفاوت معنی داری نداشته است.

جدول ۴-۹: آزمون معنی داری وضعیت سرمایه اجتماعی و شاخص های آن در

منطقه حاشیه نشین خودانگیخته

موارد	میانگین	آزمون T	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین تفاوت ها
مشارکت اجتماعی	۲/۷۹	-۸/۱۳	۳۷۷	۰/۰۰۱	-۰/۲۱
روابط متقابل	۳/۱۱	۳/۵۶	۳۷۷	۰/۰۰۱	۰/۱۱
رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی	۲/۶۶	-۱۱/۵۱	۳۷۷	۰/۰۰۱	-۰/۳۴
اعتماد اجتماعی	۲/۷۳	-۹/۹۸	۳۷۷	۰/۰۰۱	-۰/۲۷
حمایت اجتماعی	۲/۹۷	-۰/۹۸	۳۷۷	۰/۴۲۱	-۰/۰۳
سرمایه اجتماعی	۳/۰۴	۱/۰۳	۳۷۷	۰/۳۸۷	-۰/۰۴

با توجه به این که گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت و در مقیاس ۱ تا ۵ اندازه‌گیری شده‌اند. در این جا میانگین فرضی جامعه عدد ۳ در نظر گرفته شده است. برای بررسی میزان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته از آزمون T تک گروهی استفاده شده است. میانگین مشارکت اجتماعی افراد ساکن در منطقه مسکن مهر کرمانشاه برابر ۳/۰۷ و مقدار آزمون T آن برابر ۱/۰۵ می‌باشد و مقدار خطای آن نیز برابر ۰/۲۹۶ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی شهروندان ساکن در منطقه مسکن مهر کرمانشاه در حد متوسطی بوده است و اظهار داشته‌اند که در حد متوسطی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت دارند. میانگین روابط متقابل با دیگر افراد جامعه در میان ساکنان مسکن مهر کرمانشاه هم برابر ۲/۷۶ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۸/۷۹ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که روابط متقابل ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه به‌صورت معنی‌دار از میانگین پایین‌تر بوده است و پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که روابط کم و ناچیزی با دیگر افراد دارند.

همچنین میانگین رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه برابر ۳/۴۹ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۹/۳۷ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه به‌صورت معنی‌دار از میانگین جامعه بالاتر بوده است. به عبارت دیگر پاسخ‌گویان این منطقه اظهار داشته‌اند که معمولاً هنجارهای اجتماعی را رعایت می‌کنند و به ارزش‌های اجتماعی پایبند هستند. میانگین اعتماد اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته هم برابر ۳/۳۱ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۳/۵۹ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با احتمال خطای

یک درصد می توان گفت که اعتماد اجتماعی ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه به صورت معنی دار از میانگین بالاتر بوده است و پاسخ گویان بیان نموده اند که به افراد جامعه خود اعتماد زیادی دارند. میانگین حمایت اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشینه نشین خودانگیخته هم برابر ۳/۲۷ مقدار آزمون T آن نیز برابر ۳/۴۲ بوده است که در سطح یک درصد خطا معنی دار می باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان گفت که حمایت اجتماعی در منطقه مسکن مهر کرمانشاه به صورت معنی داری از حد متوسط بالاتر بوده است. به عبارت دیگر شهروندان منطقه مسکن مهر حمایت اجتماعی خود را بالا ارزیابی کرده اند.

میانگین سرمایه اجتماعی در میان ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه هم برابر ۳/۲۹ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۳/۵۰ بوده است که مقدار خطای آن برابر ۰/۰۰۱ می باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان که میزان سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه بالاتر از حد متوسط بوده است و به صورت معنی دار بالاتر از حد میانگین بوده است.

جدول ۴-۱۰: آزمون معنی داری وضعیت سرمایه اجتماعی و شاخص های آن

در منطقه مسکن مهر کرمانشاه

میانگین تفاوت ها	سطح معنی داری	درجه آزادی	آزمون T	میانگین	موارد
۰/۰۷	۰/۲۹۶	۳۷۴	۱/۰۵	۳/۰۷	مشارکت اجتماعی
-۰/۲۴	۰/۰۰۱	۳۷۴	-۸/۷۹	۲/۷۶	روابط متقابل
۰/۴۹	۰/۰۰۱	۳۷۴	۹/۳۷	۳/۴۹	رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی
۰/۳۱	۰/۰۰۱	۳۷۴	۳/۵۹	۳/۳۱	اعتماد اجتماعی
-۰/۲۷	۰/۰۰۱	۳۷۴	۳/۴۲	۳/۲۷	حمایت اجتماعی
۰/۲۹	۰/۰۰۱	۳۷۴	۳/۵۰	۳/۲۹	سرمایه اجتماعی

سؤال دوم: مناطق حاشیه نشین خودانگیخته با مسکن مهر شهر کرمانشاه از نظر شاخص های

سرمایه اجتماعی دارای چه تفاوت هایی هستند؟

برای بررسی تفاوت میانگین شاخص های سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته و ساکنان مسکن مهر شهر کرمانشاه از آزمون T گروه های مستقل استفاده شده است. همان گونه که در جدول ۴-۱۱، آمده است میانگین همه شاخص های سرمایه اجتماعی

ساکنان مسکن مهر از ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته شهر کرمانشاه به جز شاخص ارتباط متقابل بیشتر بوده است.

جدول ۴-۱۱: میانگین شاخص های سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه نشین و مسکن مهر شهر کرمانشاه

متغیر	گروه ها	میانگین
مشارکت اجتماعی	حاشیه نشین خودانگیخته	۲/۷۹
	مسکن مهر	۳/۰۷
روابط متقابل	حاشیه نشین خودانگیخته	۳/۱۱
	مسکن مهر	۲/۷۶
رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی	حاشیه نشین خودانگیخته	۲/۶۶
	مسکن مهر	۳/۴۹
اعتماد اجتماعی	حاشیه نشین خودانگیخته	۲/۷۳
	مسکن مهر	۳/۳۱
حمایت اجتماعی	حاشیه نشین خودانگیخته	۲/۹۷
	مسکن مهر	۳/۲۷

در جدول ۴-۱۲، برای بررسی فرض برابری واریانس شاخص‌های سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته و منطقه مسکن مهر از آزمون لون استفاده شده است. مقدار آزمون F برای همه شاخص‌های سرمایه اجتماعی معنی‌دار نیست و این نشان می‌دهد که پراکندگی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در بین دو گروه یکسان است. برای بررسی تفاوت میانگین دو گروه از آزمون T گروه‌های مستقل استفاده شده است. مقدار آزمون T برای همه شاخص‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری دارد. بنابراین می‌توان گفت که بین میانگین شاخص‌های اجتماعی ساکنان حاشیه‌نشین خودانگیخته و ساکنان مسکن مهر کرمانشاه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. از آنجایی که میانگین شاخص‌های مشارکت اجتماعی، رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی و حمایت اجتماعی در بین ساکنان مسکن مهر از ساکنان حاشیه‌نشین خودانگیخته بالاتر است پس می‌توان که ساکنان مسکن مهر نسبت به ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته شهر کرمانشاه در شاخص‌های سرمایه اجتماعی فوق‌الذکر وضعیت بهتری دارند. اما میانگین شاخص روابط متقابل ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته نسبت به ساکنان منطقه مسکن مهر بالاتر بوده است.

جدول ۴-۱۲: آزمون معنی داری T مقایسه شاخص های سرمایه اجتماعی

ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته و منطقه مسکن مهر

آزمون معنی داری T				آزمون لون برای برابری واریانس ها		متغیر
اختلاف میانگین	سطح معنی داری (دو دامنه)	درجه آزادی	T	سطح معنی داری	F	
۰/۲۸	۰/۰۱۳	۷۵۱	۲/۵۶	۰/۳۲	۰/۹۹۳	مشارکت اجتماعی
۰/۳۵	۰/۰۰۱	۷۵۱	۳/۱۱	۰/۶۰۶	۰/۲۶۷	روابط متقابل
۰/۸۳	۰/۰۰۱	۷۵۱	۷/۴۲	۰/۴۴۶	۰/۳۲۶	رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی
۰/۵۸	۰/۰۰۱	۷۵۱	۶/۹۶	۰/۳۲۶	۰/۹۶۹	اعتماد اجتماعی
۰/۳۰	۰/۰۰۱	۷۵۱	۲/۹۴	۰/۱۴۵	۲/۱۳۲	حمایت اجتماعی

برای بررسی تفاوت میانگین سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته و ساکنان مسکن مهر شهر کرمانشاه از آزمون T گروه‌های مستقل استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول ۴-۱۳، آمده است میانگین سرمایه اجتماعی ساکنان مسکن مهر از ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته شهر کرمانشاه بالاتر بوده است.

جدول ۴-۱۳: میانگین سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین و مسکن مهر شهر کرمانشاه

متغیر	گروه‌ها	میانگین
سرمایه اجتماعی	حاشیه‌نشین خودانگیخته	۳/۰۴
	مسکن مهر	۳/۲۹

در جدول ۴-۱۴، برای بررسی فرض برابری واریانس سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته و منطقه مسکن مهر از آزمون لون استفاده شده است. مقدار آزمون F برابر ۱/۳۳۷ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۲۴۹ می‌باشد که معنی‌دار نیست و این نشان می‌دهد که پراکندگی متغیر سرمایه اجتماعی در بین دو گروه یکسان است. برای بررسی تفاوت میانگین دو گروه از آزمون T گروه‌های مستقل استفاده شده است. مقدار آزمون برابر ۲/۰۳ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۳۴ است. بنابراین می‌توان گفت که بین میانگین سرمایه اجتماعی ساکنان حاشیه‌نشین خودانگیخته و ساکنان مسکن مهر کرمانشاه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. از آنجایی که میانگین سرمایه اجتماعی ساکنان حاشیه‌نشین خودانگیخته و ساکنان مسکن مهر کرمانشاه به ترتیب برابر ۳/۰۴ و ۳/۲۹ بوده است؛ بنابراین

می توان گفت که میانگین سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه نسبت به ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته بالاتر بوده است.

جدول ۴-۱۴: آزمون معنی داری T مقایسه شاخص های سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته و منطقه مسکن مهر

آزمون معنی داری T				آزمون لون برای برابری واریانس ها		متغیر
اختلاف میانگین	سطح معنی داری (دو دامنه)	درجه آزادی	T	سطح معنی داری	F	
۰/۲۵	۰/۰۳۴	۷۵۱	۲/۰۳	۰/۲۴۹	۱/۳۳۷	سرمایه اجتماعی

۵ بحث و نتیجه گیری

در این فصل در راستای اتصال پژوهش های پیشین با پژوهش های آتی، ابتدا نتایج آزمون فرضیه ها تحلیل می شود و سپس نتیجه گیری به عمل می آید. در پایان فعالیت پژوهشی، با توجه به فرضیه های آزمون شده و رد یا قبول فرضیه ها، پژوهشگر باید نتیجه ی کار را ارائه نماید. محدودیت های پیش رو در انجام این پژوهش نیز به اختصار بیان شده است. نتایج حاصل از فرضیه ها نیز مبنایی برای پیشنهاد های پایانی پژوهش می باشد. بنابراین یکی از قسمت های مهم پژوهش که در واقع می تواند راهی برای تبدیل نظریات به عمل برای موفقیت در آینده باشد،

نتیجه‌گیری‌های صحیح و پیشنهادهای مربوط و مناسب در هر پژوهش است.

۱-۵ بحث و نتیجه‌گیری

نتایج سؤال اول: مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر شهر کرمانشاه از نظر

شاخص‌های سرمایه اجتماعی در چه وضعیتی قرار دارد؟

با توجه به این که گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت و در مقیاس ۱ تا ۵ اندازه‌گیری شده‌اند. در اینجا میانگین فرضی جامعه عدد ۳ در نظر گرفته شده است. برای بررسی میزان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته از آزمون T تک گروهی استفاده شده است. میانگین مشارکت اجتماعی افراد ساکن در منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته برابر $2/79$ و مقدار آزمون T آن برابر $8/13$ می‌باشد که در سطح یک درصد خطا معنی‌دار است. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی شهروندان ساکن در منطقه حاشیه‌نشین کرمانشاه به صورت معنی‌داری از حد متوسط پایین‌تر بوده است و اظهار داشته‌اند که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت آن‌چنانی ندارند.

میانگین روابط متقابل با دیگر افراد جامعه در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته هم برابر $3/11$ و مقدار آزمون T آن نیز برابر $3/56$ بوده است که در سطح یک درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که روابط متقابل ساکنان منطقه حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه به صورت معنی‌دار از میانگین بالاتر بوده است و پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که روابط زیاد و عمیقی با دیگر افراد دارند.

همچنین میانگین رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته

برابر ۲/۶۶ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۱۱/۵۱ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه به صورت معنی‌دار از میانگین جامعه پایین‌تر بوده است. به عبارت دیگر پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که هنجارهای اجتماعی را رعایت نمی‌کنند و به ارزش‌های اجتماعی پایبندی ندارند. میانگین اعتماد اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته هم برابر ۲/۷۳ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۹/۹۸ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که اعتماد اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه به صورت معنی‌دار از میانگین پایین‌تر بوده است و پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که به افراد جامعه خود اعتماد ندارند. میانگین حمایت اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته هم برابر ۲/۹۷ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۰/۹۸ بوده است که مقدار خطای آن برابر ۰/۴۲۱ می‌باشد. با توجه به این که مقدار خطا از ۵ صدم بیشتر است. بنابراین می‌توان گفت که حمایت اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته در حد متوسطی بوده است و با میانگین جامعه تفاوت معنی‌داری نداشته است.

میانگین سرمایه اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته هم برابر ۳/۰۴ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۱/۰۳ بوده است که مقدار خطای آن برابر ۰/۳۸۷ می‌باشد. بنابراین می‌توان که میزان سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته در حد متوسطی بوده است و با میانگین تفاوت معنی‌داری نداشته است.

با توجه به این که گویه‌ها با استفاده از طیف لیکرت و در مقیاس ۱ تا ۵ اندازه‌گیری شده‌اند. در اینجا میانگین فرضی جامعه عدد ۳ در نظر گرفته شده است. برای بررسی میزان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته از آزمون T تک گروهی

استفاده شده است. میانگین مشارکت اجتماعی افراد ساکن در منطقه مسکن مهر کرمانشاه برابر ۳/۰۷ و مقدار آزمون T آن برابر ۱/۰۵ می باشد و مقدار خطای آن نیز برابر ۰/۲۹۶ می باشد. بنابراین می توان گفت که مشارکت اجتماعی شهروندان ساکن در منطقه مسکن مهر کرمانشاه در حد متوسطی بوده است و اظهار داشته اند که در حد متوسطی در فعالیت های اجتماعی مشارکت دارند. میانگین روابط متقابل با دیگر افراد جامعه در میان ساکنان مسکن مهر کرمانشاه هم برابر ۲/۷۶ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۸/۷۹ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی دار می باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان گفت که روابط متقابل ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه به صورت معنی دار از میانگین پایین تر بوده است و پاسخ گویان بیان نموده اند که روابط کم و ناچیزی با دیگر افراد دارند.

همچنین میانگین رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی در میان ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه برابر ۳/۴۹ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۹/۳۷ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی دار می باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان گفت که رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی در میان ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه به صورت معنی دار از میانگین جامعه بالاتر بوده است. به عبارت دیگر پاسخ گویان این منطقه اظهار داشته اند که معمولاً هنجارهای اجتماعی را رعایت می کنند و به ارزش های اجتماعی پایبند هستند. میانگین اعتماد اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته هم برابر ۳/۳۱ و مقدار آزمون T آن نیز برابر ۳/۵۹ بوده است که در سطح ۱ درصد خطا معنی دار می باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان گفت که اعتماد اجتماعی ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه به صورت معنی دار از میانگین بالاتر بوده است و پاسخ گویان بیان نموده اند که به افراد جامعه خود اعتماد زیادی دارند. میانگین حمایت اجتماعی در میان ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته هم برابر ۳/۲۷ مقدار آزمون T آن نیز برابر ۳/۴۲ بوده است که در سطح یک درصد خطا معنی دار

می باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان گفت که حمایت اجتماعی در منطقه مسکن مهر کرمانشاه به صورت معنی داری از حد متوسط بالاتر بوده است. به عبارت دیگر شهروندان منطقه مسکن مهر حمایت اجتماعی خود را بالا ارزیابی کرده اند.

میانگین سرمایه اجتماعی در میان ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه هم برابر $3/29$ و مقدار آزمون T آن نیز برابر $3/50$ بوده است که مقدار خطای آن برابر $0/001$ می باشد. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می توان که میزان سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه مسکن مهر کرمانشاه بالاتر از حد متوسط بوده است و به صورت معنی دار بالاتر از حد میانگین بوده است.

نتایج سؤال دوم: مناطق حاشیه نشین خودانگیخته با مسکن مهر شهر کرمانشاه از نظر شاخص های سرمایه اجتماعی دارای چه تفاوت هایی هستند؟

برای بررسی فرض برابری واریانس شاخص های سرمایه اجتماعی ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته و منطقه مسکن مهر از آزمون لون استفاده شده است. مقدار آزمون F برای همه شاخص های سرمایه اجتماعی معنی دار نیست و این نشان می دهد که پراکندگی شاخص های سرمایه اجتماعی در بین دو گروه یکسان است. برای بررسی تفاوت میانگین دو گروه از آزمون T گروه های مستقل استفاده شده است. مقدار آزمون T برای همه شاخص های اجتماعی تفاوت معنی داری دارد. بنابراین می توان گفت که بین میانگین شاخص های اجتماعی ساکنان حاشیه نشین خودانگیخته و ساکنان مسکن مهر کرمانشاه تفاوت معنی داری وجود دارد. از آنجایی که میانگین شاخص های مشارکت اجتماعی، رعایت هنجارها و ارزش های اجتماعی، اعتماد اجتماعی و حمایت اجتماعی در بین ساکنان مسکن مهر از ساکنان حاشیه نشین خودانگیخته بالاتر است پس می توان که ساکنان مسکن مهر نسبت به ساکنان منطقه حاشیه نشین خودانگیخته شهر کرمانشاه در شاخص های سرمایه اجتماعی فوق الذکر وضعیت بهتری دارند.

اما میانگین شاخص روابط متقابل ساکنان منطقه حاشیه‌نشین خودانگیخته نسبت به ساکنان منطقه مسکن مهر بالاتر بوده است.

۲-۵ محدودیت‌های پژوهش

۱) محدودیت اول امتناع برخی از مردم در تکمیل پرسشنامه‌ها بود. البته هر چند بسیاری

از این کارکنان کمبود وقت را دلیل عدم همکاری خود مطرح می‌کردند.

۲) محدودیت دوم محدودیت ناشی از مقیاس درجه‌بندی لیکرت است که تمایل به

پاسخ متوسط را در پاسخ‌دهندگان ایجاد می‌کند.

۳) محدودیت سوم در مورد قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش می‌باشد. این پژوهش در

بین مناطق حاشیه‌نشین و مسکن مهر شهر کرمانشاه صورت گرفته است، لذا تعمیم

نتایج به سایر مناطق حاشیه‌نشین و مسکن مهر شهرهای دیگر، بایستی با احتیاط

صورت گیرد.

۴) محدودیت سوم در مورد بعد زمانی انجام پژوهش است. این پژوهش در سال ۱۴۰۱

انجام شده است. با توجه به این که ممکن است دیدگاه‌ها و نگرش‌های مردم در طول

زمان تغییر می‌کند نمی‌توان انتظار پایداری نتایج در بلندمدت را داشت.

۳-۵ پیشنهادها پژوهش

با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش و تجربه به‌دست آمده از طریق آن برای

پژوهشگر، پیشنهادهای کاربردی و پیشنهادها پژوهشی (پیشنهادهایی برای سایر پژوهشگران)

در دو بخش در ادامه ذکر شد.

۱-۳-۵ پیشنهاد های کاربردی

۱) محلات حاشیه نشین خودانگیخته در عین این که در گروه حاشیه نشین هستند اما تفاوت های زیادی با یکدیگر دارند که می توان آن ها را به حاشیه نشین بحرانی و پرخطر، متوسط و مناسب تقسیم کرد به عنوان نمونه در محله دولت آباد و آناهیتا هر چند حاشیه نشین هستند اما به لحاظ امکانات، وضعیت اجتماعی تفاوت های چندانی با محلات متوسط شهر کرمانشاه ندارند که شاید دلیلش وجود یکپارچگی قومیتی در محله دولت آباد است. در دولت آباد آمار بزهکاری و تعداد معتادان متجاهر پایین و مدارس، مراکز آموزشی و درمانی مساجد و بازارچه های متعددی وجود دارد بیشتر مشکلات این محله به لحاظ کالبدی و زیبایی شهری است که پیشنهاد می شود شهرداری ارائه خدمات بیشتری در محله دولت آباد داشته باشد به لحظه آسفالت معابر و کوچه ها، روشنایی شبانه، ایجاد و گسترش فضای سبز شهری، ساماندهی دست فروشان و همچنین در این محله عموماً خانواده های وجود دارند که فرزندان آن ها در سطوح بالای تحصیلی مشغول به تحصیل هستند و در رشته های پردرآمد در محله آناهیتا هم معضلات نسبت به سایر مناطق حاشیه نشین خودانگیخته کمتر اما در این محل فرهنگسرا، مراکز ویژه بانوان وجود ندارد پیشنهاد می گردد علاوه بر ارائه خدمات شهری در این حوزه نیز دستگاه های مربوطه فعال تر عمل کنند با توجه به این که در اغلب مناطق حاشیه نشین مردم تمایل به مشارکت اجتماعی در ابعاد مختلف را دارند پیشنهاد می شود سازمان ها، نهادها و دستگاه های اجرایی برنامه ها و تمهیداتی بیندیشند برای ارتباط بیشتر با ساکنان این محلات تمام دستگاه ها بخشی دارند به عنوان روابط عمومی و از آن جایی که مردم چندان در جریان اجرای

برنامه‌ها در شهر نیستند از طریق روابط عمومی‌ها می‌توان برنامه‌های تدوین شده و یا سیاست‌های اخذ شده به ساکنان اطلاع‌رسانی شود، همچنین در برخی از محلات که میزان مشکلات بیشتر و شرایط بحرانی‌تر است همچون حکمت آباد، جعفرآباد و ملاحسینی در کنار ظرفیت‌های دولتی پیشنهاد می‌گردد که از ظرفیت گروه‌های جهادی استفاده شود که این اتفاق در محله ملاحسینی رخ داده و نتایج مثبتی حاصل شده است، در برخی از محلات حاشیه‌نشین تعداد کودکان کار و زنان و نوجوانان بی‌سواد بالا است در این مناطق همچون دره دراز عملاً مدارس با کیفیتی وجود ندارد یا تعداد آن‌ها محدود است که پیشنهاد می‌گردد وضعیت آموزشی مدارس این محلات ارتقا، تعداد معلمان مشاور بیشتر و کلاس‌های فوق‌العاده برای دانش‌آموزان برگزار گردد و البته تشکیل کلاس‌های نهضت سواد آموزی هم می‌تواند گام مهمی در جهت آگاه‌سازی بانوان باشد. در محلات حاشیه‌نشین خودانگیخته اغلب ساکنان تمایل بسیاری دارند که اگر طرح‌هایی برای زیباسازی محله آن‌ها همچون رنگ‌آمیزی جداول، کاشت درخت، جمع‌آوری زباله‌ها تدوین و اجرایی شود با مأموران خدمات شهری و شهرداری همکاری داشته باشند بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌ها تدوین، اطلاع‌رسانی و در اجرای آن با توجه به زمان اتمام برنامه از ظرفیت ساکنان استفاده و حتی می‌توان مبالغی را به‌عنوان دستمزد به آنان پرداخت کرد که در سال اخیر این اتفاق در نقاط معدودی رخ داده به‌عنوان مثال تخریب منازل مخروبه در برخی از مناطق حاشیه‌نشین که به محل تجمع معتادان متجاهر تبدیل شده بود به درخواست ساکنان و مشارکت خود آن‌ها اجرایی گردیده است پیشنهاد می‌گردد در مناطق حاشیه‌نشین مهدهای کودک، کانون‌های فرهنگی هنری تربیتی، باشگاه‌های ورزشی احداث و یا تعداد آن‌ها افزایش یابد چرا که در برخی از محلات حاشیه‌نشین

عملاً مهد کودک و یا باشگاه ورزشی و یا کانون های فرهنگی هنری و تربیتی وجود ندارد با توجه به اینکه بخشی از ساکنان مناطق حاشیه نشین وضعیت مالی بسیار نامناسبی دارند یا برخی از کودکان یکی از والدین را از دست داده اند پیشنهاد می گردد توسط مراکز فنی و حرفه ای، بهزیستی، کمیته امداد، فرمانداری، معاونت اجتماعی استانداری و این افراد شناسایی و به آنها حرفه هایی آموزش داده شود و پس از تأیید صلاحیت به مراکز کارگاهی معرفی و یا از آنها حمایت شود که در قالب مشاغل خانگی بتوانند برای خود کاری راه اندازی و یا در آمدی داشته باشند طبق گفته ساکنان مناطق حاشیه نشین منبع اصلی دریافت اخبار مردم پیرامون موضوعات و مسائل از طریق عموماً تلویزیون ملی و فضای مجازی می باشد بنابراین می توان از ظرفیت تلویزیون و فضای مجازی (در صورت امکان) بهره برد و با ساخت برنامه و یا تهیه گزارش هایی با موضوع فرهنگ شهرنشینی، زندگی سالم، تأثیر سواد و کارآفرینی بتوان تأثیر مثبتی در بینندگان ساکنان در این نواحی به مرور زمان ایجاد کرد با توجه به اعتقادات مذهبی مردم پیشنهاد می گردد هیأت های در این مراکز راه اندازی و از ظرفیت آنها در راستای شناسایی خانواده هایی که دچار آسیب شده اند استفاده گردد با توجه به ظاهر و کالبد نامناسب محلات حاشیه نشین خودانگیخته پیشنهاد می گردد شهرداری توجه بیشتری به رفع مشکلات و زیبایی بیشتر این محلات داشته باشد از سوی دیگر ساختمان های برخی از محلات حاشیه نشین خودانگیخته بسیار فرسوده و قدیمی می باشد اما با توجه به میزان تسهیلات بازسازی، میزان سود و از سوی دیگر تنگنای اقتصادی مالکان این منازل صاحبان خانه ها عموماً توان مالی بازسازی ندارند و از سوی دیگر با توجه به وضعیت نامناسب محله انگیزه ای هم برای پیگیری بیشتر ندارند چرا که عنوان می کنند ملک

آنان حتی اگر بهترین ملک باشد در منطقه‌ای نامناسب قرار گرفته و عموماً خریداری ندارد این موضوع بیشتر در محلات حاشیه‌نشینی که وضعیت بحرانی دارند همچون ملاحسینی و دره دراز به چشم می‌خورد.

۲) با توجه به این که مسکن مهر دولت آباد در داخل محله حاشیه‌نشین دولت آباد احداث شده است و پیشتر هم عنوان شد میزان مشکلات و معضلات دولت آباد بسیار کمتر از سایر محلات حاشیه‌نشین است که یکی از دلایلش وجود بافت قومیتی یکسان می‌باشد و حتی قیمت ملک در این محله هم تقریباً بالا است پیشنهاد می‌گردد در محدوده مسکن مهر دولت آباد در راستای ارتقا امنیت بیشتر و جلوگیری از سرقت تأسیسات شهری شهرداری از ظرفیت ساکنان خود مسکن مهر به عنوان شبگرد استفاده کند.

۲-۳-۵ پیشنهادهای پژوهشی (پیشنهادهایی برای سایر پژوهشگران)

موضوع این پژوهش مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین خودانگیخته و مسکن مهر بود به پژوهشگران بعدی پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با موضوع‌های زیر را انجام دهند:

۱) بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در مناطق محروم.

۲) تبیین توسعه سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران آب شهری.

۳) بررسی میزان سرمایه‌ی اجتماعی بین حاشیه‌نشینان.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ابراهیم نیا، وحیده، شهبازی، طاهره و رحیمی، روح اله. (۱۴۰۱). تحلیل محیط کالبدی اثرگذار بر سرمایه اجتماعی در محلات شهر ساری. مجله ی جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۹ (۳)، ۱۸، ۱۲۱-۱۴۰.
- اکبری، امین. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، روستایی شهرستان سنقر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- امینی، مرتضی، خسروی، محمدعلی و خلجی، عباس. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر توانمندسازی مناطق حاشیه نشین در افزایش سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت)، فصلنامه علمی - پژوهشی با عنوان جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۰ (۴)، ۵۹۵-۶۱۰.
- امیر کافی، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت سرمایه ی اجتماعی در محلات محروم (مطالعه ی موردی: شهر کرمان). جغرافیای اجتماعی شهری، ۷ (۱)، ۱۵۰-۱۲۵.
- برقی، شهریار. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر برنامه های توانمندسازی در مناطق حاشیه نشین در افزایش مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت). جغرافیا و روابط انسانی، ۳ (۲)، ۱۷۲-۱۹۱.
- برغمندی، هادی. (۱۳۹۷). تأثیر تخریب محله ی غربت بر سرمایه اجتماعی اهالی محله ی خاک سفید، فصلنامه ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۷ (۲۸)، ۲۶۳-۲۸۳.
- بهمنی، افشین و قائد رحمتی، صفر. (۱۳۹۵). ارزیابی مسکن مهر از نظر شاخص های کیفی مسکن مناسب، نمونه موردی: مسکن مهر ۲۲ بهمن شهر زنجان. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۴ (۱)، ۴۷-۶۵.

- بیرانوند، علی و شنبیدی، زهرا (۱۴۰۱). بررسی تأثیر شاخص‌های آلتمتریکس شبکه علمی - اجتماعی ریسرچ گیت بر فعالیت‌های پژوهشی نویسندگان و پژوهشگران ایرانی حوزه پرستاری در پایگاه‌های اطلاعاتی، فصلنامه علمی بازاریابی دانش و نظام‌های معنایی، ۹ (۳۰)، ۶۶-۳۱.
- پورعلی فشتمی، مجید. (۱۳۹۶). نقش کیفیت محیط شهری در ارتقای سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: منطقه ۱۲ شهرداری تهران، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری، گروه مدیریت شهری دانشگاه آزاد، واحد صفادشت.
- تاج‌بخش، غلامرضا. (۱۳۹۲). بررسی میزان سرمایه‌ی اجتماعی بین حاشیه‌نشینان شهر ایلام. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۳ (۹)، صص ۹۷-۱۲۴.
- تقوایی، مسعود و صفرآبادی، اعظم. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی سرمایه اجتماعی در بافت‌های شهری با استفاده از مدل AHP (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). مطالعات شهری، ۲ (۲)، ۳۴-۱۰.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و عنبری، موسی. (۱۳۹۹). تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجران افغانی. نامه‌ی علوم اجتماعی، ۳ (۲۳)، صص ۴۳-۶۸.
- چراغی، محمدجعفر، عدالتیان، جمشید و کاباران‌زاده، محمدرضا. (۱۴۰۰). ارائه مدلی جهت تبیین نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت کارآفرینی بین‌المللی. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۵ (۴)، ۵۷، ۲۰۷-۲۳۱.
- حاجی‌شاه‌رودی، دنیا، زمردیان، غلامرضا، فلاح شمس لیستانی، میرفیض و حنیفی، فرهاد. (۱۳۹۸). طراحی سیستم پیش‌هشداردهنده بحران بانکی نظام‌مند در بازار ملی ایران. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۳ (۴۷)، ۱۳۵-۱۵۴.

- حجاریان، احمد و برقی، حمید (۱۴۰۰). ارزیابی نقش مشارکت اجتماعی در توسعه ی نواحی روستایی نمونه ی پژوهش: مناطق روستایی شهرستان فریدون شهر. فصلنامه علمی برنامه ریزی فضایی، ۱۲ (۱)، ۴۵، ۱-۱۶.
- حسنی، وحید، الهیاری، رضا و دهشیری، مجید (۱۳۹۸). توسعه نیافتگی ناشی از تأخیر فرهنگی برآمده از حاشیه نشینی در شهرها. نشریه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، ۴ (۱)، ۱۵، ۲۵-۳۱.
- حیدری، الهام، سید کلالی، نادر و شریعتی، نیما. (۱۴۰۱). فضیلت سازمانی و سرمایه ی اجتماعی: نقش میانجی تعهد سازمانی و نقش تعدیل گر هوش معنوی. مدیریت سرمایه ی اجتماعی، ۹ (۴)، ۶۱۷-۶۳۷.
- زارع شاه آبادی، اکبر و ترکان، رحمت اله. (۱۴۰۰). بررسی رابطه ی سرمایه اجتماعی و قانون گریزی در بین شهروندان شهر قزوین، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ی علوم اجتماعی.
- زهره، مسعود و رضایی، حسین (۱۳۹۹). ارزیابی رضایت مندی سکونت در مجموعه مسکن مهر به مثابه راهبردی جهت پیشگیری از اتلاف سرمایه ملی (مطالعه موردی: مجتمع دولت مهر شهر کرمانشاه). نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۱ (۲)، ۵-۲۰.
- ساروخانی، باقر. (۱۴۰۰). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران، نشر کیهان.
- سرگلزایی جوان، طیه و هادیان زهره. (۱۳۹۵). امکان سنجی توانمندسازی محله های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: محله شیرآباد شهر زاهدان). رفاه اجتماعی، ۱۶ (۶۳)، ۱۸۵-۲۱۴.
- شریفی، محمد، بای، عبدالرضا، ابوالفضل کریزی، حسین و صالحی فارسانی، علی (۱۴۰۰). جایگاه سرمایه اجتماعی در کارآمدی نظام سیاسی. فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۴ (۲)، ۱۲۳، ۱۳۶.

- شکرگزار، اصغر، سجودی، مریم، محمدزاده، ربابه، شعبان‌گور، احد و نظری، فرهاد (۱۳۹۵). سنجش میزان رضایت‌مندی ساکنان مسکن مهر (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر رشت). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۵ (۱۷)، ۷۹-۹۰.
- طهماسبی، اصغر و فخرآبادی‌پور، فرزانه. (۱۴۰۱). نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در ارتقای سرمایه اجتماعی روستاییان مورد: روستای حسینان شهرستان دامغان. فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۳ (۶۹)، ۲۷۷-۲۹۷.
- عبدی، میلاد. (۱۴۰۱). رفاه اجتماعی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی و احساس امنیت. علوم زیست‌محیطی و دانش جغرافیا، ۱۱، ۱-۱۵.
- علیدادی سلیمانی، حسن و حاجی‌کرم‌رعیت، محمدرضا (۱۳۹۹). حقوق شهروندی و میزان آگاهی شهروندان از آن (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران). فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۸ (۳)، ۸۲-۹۲.
- فروغ‌زاده، سیمین، رزاقیان، فرزانه، براتی، جواد و سلطانی، سحر. (۱۳۹۸). تحلیل سرمایه‌ی اجتماعی زنان خانه‌دار ساکن در سکونت‌گاه غیررسمی (مطالعه موردی: محله شهید قربانی مشهد). مطالعات زن و خانواده، ۷ (۱)، ۱۷۹-۲۰۳.
- قلی‌پور، سیاوش و زارع، معصومه (۱۳۹۱). برنامه‌های توسعه و فضای شهری در کرمانشاه (۱۳۳۵-۱۳۴۵). فصلنامه مطالعات اجتماعی، ۱۹ (۲)، ۲۳۱-۲۵۸.
- قنبری، ابوالفضل (۱۳۹۵). تحلیل بر مکان‌یابی مسکن مهر شهر تبریز، نشریه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۰ (۵۵)، ۲۲۹-۲۵۴.
- کامرانی، حسن، امینی، داوود و حسینی‌امینی، حسن (۱۳۹۱). کاربرد پدافند غیرعامل در برنامه‌ریزی مسکن شهری، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۴ (۱۵)، ۷۵-۸۸.

- میجنونی توتاخانه، علی، مفرح بناب، مجتبی و حامدوران، شیما (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در سکونت گاه های شهری میان هاندام، مطالعه موردی: شهر بناب. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۷ (۴)، ۲۸، ۳۲-۱۹.
- محمدی تیراندازه، مینو و صادقی سقدل، حسین (۱۴۰۱). سلامت شهروندان و حاشیه نشینی، تهران: نور علم.
- محمودی، احمد و نیک خواه، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین شیراز. چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.
- مهندسان مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۲). مطالعات امکان سنجی بهسازی شهرنگر و توانمندسازی اجتماعی شهر کرمانشاه. وزارت مسکن و شهرسازی
- ناطق پور، سید جواد، فیروز آبادی، سید احمد. (۱۳۹۹). شکل گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸، ۱۶۰-۱۹۰.
- نظری سرمازه، حمید، صیدایی، سید اسکندر و احمدوند، معصومه. (۱۳۹۹). تحلیل وضعیت سرمایه ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بخش میانکوه شهرستان اردل با استفاده از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری. برنامه ریزی فضایی، ۱۰ (۴)، ۳۹، ۱۱۳-۱۳۱.
- نیازی، محسن، بهرامی، ولی، سخایی، ایوب و حسین زاده، سید سعید (۱۳۹۶). فراتحلیل تأثیر مشارکت اجتماعی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی، فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، ۲ (۴)، ۱۷-۴۵.
- یزدانی، محمد حسن، سلمانی، هاجر و پاشایی زاده، اصغر (۱۳۹۶). بررسی رضایت مندی ساکنان مجتمع های مسکن مهر اوشیب و مهر ولایت بابل، جغرافیا و توسعه، ۴۷ (۱۵)، ۲۵۳-۲۷۰.

ب) منابع غیر فارسی

- Aldrich, D. P., Kolade, O., McMahon, K., & Smith, R. (۲۰۲۱). *Social capital's role in humanitarian crises*. *Journal of refugee studies*, ۳۴ (۲), ۱۷۸۷-۱۸۰۹.
- Alexander Priest, A. (۲۰۲۳). *Under pressure: Social capital and trust in government after natural disasters*. *Social currents*, ۲۳۲۹۴۹۶۵۲۳۱۱۵۳۰۶۶.
- Cherunya, P.C., Ahlborg, H., & Truffer, B. (۲۰۲۰). *Anchoring innovations in oscillating domestic spaces: why sanitation offerings fail in informal*, *Research policy*, ۴۹ (۱), ۱-۳۷.
- Chong, S. T., Koh, D., Nazri, Y. F. M., Ibrahim, F., & Rahim, S. A. (۲۰۲۰). *Social capital and well-being among marginalized young Malaysians*. *Kasetsart journal of social sciences*, ۴۱ (۱), ۱۷۶-۱۸۰.
- Craig, A., Hutton, C. W., & Sheffield, J. (۲۰۲۲). *Social capital typologies and sustainable development: Spatial patterns in the central and southern regions of malawi*. *Sustainability*, ۱۴ (۱۵), ۹۳۷۴.
- Ghasemi, V., Faeghi, S., & Amir, A. (۲۰۱۴). *An evaluation of social capital and its categorization in the ۱۴ districts of the city of Isfahan*. *Iranian journal of social development*, ۳, ۷-۳۲.
- Gherekhloo, M., Abdi YengiKand, N., & Zanganeh, S. (۲۰۱۰). *An analysis of urban stability in informal settlements*. *Journal of human geographical investigations*, ۶۹, ۱-۱۶.
- Golubchikov, O., & Badyina, A. (۲۰۲۰). *Sustainable housing for sustainable cities: a policy framework for developing countries*. Nairobi, Kenya: UN - HABITAT.
- Gulumser, A., Levent, T., Nijkamp, P., & Poot, J. (۲۰۱۲). *The role of local and newcomer entrepreneurs in rural development: A comparative meta - analytic study*.

- Guo, Q., Bai, X., & Feng, N. (۲۰۱۸). Social participation and depressive symptoms among Chinese older adults: A study on rural - urban differences. *Journal of affective disorders*, ۲۳۹, ۱۲۴-۱۳۰.
- Jeong, S. W., Ha, S., & Lee, K. H. (۲۰۲۱). How to measure social capital in an online brand community? A comparison of three social capital scales. *Journal of business research*, ۱۳۱, ۶۵۲-۶۶۳.
- Khazaei, Z., Zivyar, P. (۲۰۱۲). Study of social, economic and skeletal features of informal settlements, case study: Kouy - e Sayahi, Ahvaz metropolis, *territory geography quarterly journal*, ۹th year, ۳۳.
- Lemanski, C. (۲۰۱۷). Unequal citizenship in unequal cities: participatory urban governance in contemporary South Africa. *International Development planning review*, ۳۹ (۱), ۱۵-۳۵.
- Lesser, E. L. (۲۰۲۰). *Knowledge and social capital: foundation and application*. Boston, Butterworth.
- Lewis, O. (۱۹۹۸). *The culture of poverty*, *Society*, ۳۵ (۲), ۷-۳۰.
- Lin, N. (۲۰۱۷). Building a network theory of social capital. *Social capital*, ۳-۲۸.
- Li, S. Y., & Xu, Q. (۲۰۲۲). Role of social capital and social enterprise in China's poverty relief. In *contestations in global civil society*, ۱۵۷-۱۷۲.
- Marinez - Martinez, O. A., & Rodriguez - Brito, A. (۲۰۲۰). Vulnerability in health and social capital: A qualitative analysis by levels of marginalization in Mexico. *International journal for equity in health*, ۱۹ (۱), ۱-۱۰.
- Misztal, B. (۲۰۱۹). *Trust in Modern Societies*. Cambridge: press.
- Mpanje, D., Gibbons, P., McDermott, R., Omia, D. O., & Olungah, C. O. (۲۰۲۲). Social capital undergirds coping strategies: evidence from two informal settlements in nairobi. *Journal of international humanitarian*, ۷ (۱), ۱-۱۶.

- Mpanje, D., Gibbons, P., & McDermott, R. (۲۰۱۸). Social capital in vulnerable urban settings: An analytical framework. *Journal of international humanitarian action*, ۳(۱), ۱-۱۴.
- Nunkoo, R. Ribeior, M. A. Sunnasse, V. & Gursoy, D. (۲۰۱۸). Public trust in mega event planning institutions: The role of Knowledge, Transparency and corruption. *Tourism management*, ۶۶, ۱۵۵-۱۶۶
- Pilatin, A., Hepşen, A., & Kayran, O. (۲۰۲۳). The effect of social capital on housing prices: panel data analysis by province in Turkey. *International journal of housing markets and analysis*, (Ahead - Of - Print).
- Putnam, Robert D. (ED) (۲۰۰۲). *Democracies in flux, The evolution of social capital in contemporary society*. Oxford university press.
- Ritzer, G. (Ed.). (۲۰۰۷). *The Blackwell encyclopedia of sociology* (Vol. ۱۴۷۹). Malden, MA: Blackwell.
- Rutten, R., Westland, H., & Boekema, F. (۲۰۱۰). The Spatial dimension of social capital. *European planning studies*, ۱۸ (۶), ۸۶۳-۸۷۱.
- Sadeghi, R., & Naghdi, A. (۲۰۰۷). Marginal settlement on the way of sustainable development: The case of Hamedan. *sociology and social sciences*, ۲۰, ۲۱۳-۲۳۴.
- Statz, M., & Evers, K. (۲۰۲۰). Spatial barriers as moral failings: What rural distance can teach us about women's health and medical mistrust author names and affiliations. *Health & Place*, ۶۴, ۱۰۲۳۹۶.
- Tian, Y. A., Nicholson, J. D., Eklinder-Frick, J., & Johanson, M. (۲۰۱۸). The interplay between social capital and international opportunities: A processual study of international take-off episodes in Chinese SMEs. *Industrial marketing management*, ۷۰, ۱۸۰-۱۹۲.

- Trimurni, M.. L., Sirojuzilam, S., Erlina, E., & Badaruddin, B. (۲۰۱۵). *The effect of social capital on governance and sustainable livelihood of coastal city community Medan. International journal of humanities and social science*, ۴ (۱۰), ۷۱۸-۷۲۲.
- Turok, I., & Borel - Saladin, J. (۲۰۱۸). *The theory and reality of urban slums: Pathways – out – of - poverty or cul-de-sacs?.* *Urban studies*, ۵۵ (۴), ۷۶۷-۷۸۹.
- Uekusa, S. (۲۰۲۰). *The paradox of social capital: A case of immigrants, refugees and linguistic minorities in the Canterbury and Tohoku disasters. International journal of disaster risk reduction*, ۴۸, ۱۰۱۶۲۵.
- Vercelli, F. (۲۰۲۰). *The evolution of inequality and social cohesion in Europe.* Available at SSRN ۱۹۲۲۴۱۳.
- Vincens, N., Emmelin, M., & Stafstrom, M. (۲۰۱۸). *Social capital, income inequality and the social gradient in self - rated health in Latin America: A fixed effects analysis. Social science & medicine*, ۱۹۶, ۱۱۵-۱۲۲.
- Weijs, P., & Minou, P. (۲۰۱۷). *Social networks, Social satisfaction, And place attachment in the neighborhood. Region journal*, ۴ (۳), ۱۳۳-۱۵۱.
- Williamson, T. M. (۲۰۲۲). *Sprawl, Justice and citizenship: A philosophical and empirical inquiry.* Harvard university.
- Yeşil, S., & Dogan, I. F. (۲۰۱۹). *Exploring the relationship between social capital, Innovation capability and innovation. Innovation*, ۲۱ (۴), ۵۰۶-۵۳۲.